

نارسایبهای زندان

□ محمدرضا گودرزی با همکاری عباس جوانفر

چکیده:

در این نوشتار، برخی نارسایبهای زندان، مجازات حبس، ناکارآمدی آن در پیشگیری از تکرار بزه و جرم‌زایی مشکلات بهداشتی و پیامدهای اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی و سرانجام مشکل تراکم جمعیت کیفری و کمبود فضا در زندانها بررسی می‌شود و می‌کوشد قانون‌گذار کیفری را به ایجاد، اختراع و به کارگیری دیگر کیفرها به جای حبس تشویق کند.

کلید واژگان: نظام عدالت کیفری (Criminal justice system)، زندان (Prison)، پیشگیری از جرم (Crime prevention)، تکرار جرم (Récidivisme)، آمار کیفری (Penal statistic).

مقدمه

با آنکه زندان به عنوان یک مجازات، از اواخر قرون وسطی و آغاز دوران نوزایش به کار گرفته شد و با تدوین قوانین کیفری اروپایی توسط به آن، به عنوان یک کیفر، به اوج خود رسید، در طول تاریخ، سابقه‌ای طولانی به اندازه حیات بشر دارد و تاریخچه آن بسیار دردناک و غم‌انگیز است؛ چه بدترین جنایتکاران و بهترین انسانها، هر دو به

زندان افتاده‌اند.^۱

در روزگاران قدیم، بشر جایی را برای نگهداری عناصر شرور و حفظ افراد جامعه از شرارت آنها اختصاص می‌داده است. زندان در طول تاریخ، تغییر و تحولات بسیاری به خود دیده است که بحث درباره آن، از حوصله این نوشتار خارج است، ولی مهمترین دلایلی که توسل به مجازات زندان را توجیه کرده، این است که زندان بازدارنده، عبرت‌انگیز، اصلاح‌کننده و چاره‌پذیر (در صورت اشتباه قضایی و یا اصلاح محکوم زندانی) است. افزون بر آن، نظم و امنیت عمومی را اعاده کرده، جامعه را در مقابل بزهکاران، مصون می‌سازد.^۲

[امروزه] هزینه‌های روزافزون حبس و شناخت بیشتر اثرات خطرناک و بیگانه‌کننده انباشتن مجرمان در زندان بر زندانیان و نیز بر خانواده‌ها و بستگان آنها، سیاستگذاران را مجبور ساخته است که نقش حبس را دوباره مورد بررسی قرار دهند و راه‌های نوینی را کشف نمایند.^۳

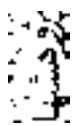
اگرچه امروزه سلولهای انفرادی، حبس با اعمال شاقه، کار اجباری و... به تاریخ پیوسته است، ولی نمی‌توان انکار کرد که سیستم زندانها در حال حاضر نیز دارای نارساییها و ایرادات چندی است که ذهن بسیاری از متفکران، اندیشمندان، متولیان، مسئولان و صاحب‌نظران را به خود مشغول کرده است و باید به این نکته اذعان داشت که هر نارسایی و ایرادی که بر مجازات زندان و اعمال و اجرای آن وارد باشد، مانعی در راه رسیدن به امنیت قضایی و اعتماد عمومی نسبت به قوه قضائیه محسوب می‌شود و دیدگاه منفی و بدبینی مردم نسبت به دستگاه قضایی را در پی دارد.

۱. برای نمونه، به دو شاعر بزرگ پارسی‌گو، مسعود سعد سلمان و افضل‌الدین بدیل خاقانی می‌توان اشاره کرد.

۲. ژان پرادل، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۷۳، ص ۷۳.

۳. راجر ماتیوس و پیتر فرانسیس، *زندانها در هزاره سوم*، ترجمه لیلا اکبری، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱، ص ۵.





در این نوشتار تلاش شده است به پاره‌ای از نارسیایهای زندان، با توجه به یافته‌ها و داده‌های موجود اشاره شود و نقش این نارسیایها در کاهش اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی، گوشزد شود. ضمن آنکه نباید فراموش کرد که امروزه و به خاطر بسیاری از مفاسد، مشکلات و نارسیایها، در اغلب ممالک، زندانی‌زدایی در دستور کار مراکز پژوهشی و متخصصان، قانون‌گذاران، قوه قضائیه و به طور کلی، کارکنان نظام عدالت کیفری قرار دارد.^۱

بر این اساس، نخست ضعف و ناکارآمدی زندان را در پیشگیری از ارتکاب و تکرار بزه و جرم‌زا بودن آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد و آنگاه در ادامه به بررسی مشکلات بهداشتی و پیامدهای اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی زندان و زندانی شدن می‌پردازیم. ضمناً افزون بر موارد یادشده، بحثی نیز درباره تراکم زندان، جمعیت کیفری و کمبود فضا خواهیم داشت.

ناکارآمدی زندان در پیشگیری از ارتکاب بزه، تکرار آن و جرم‌زدایی

فلاسفه کیفری، همواره یکی از اهداف عمده توّسل به کیفر، بویژه کیفر حبس را نقش بازدارندگی کیفرها و در نتیجه، پیشگیری از وقوع یا تکرار بزه ذکر می‌کنند. در این مبحث، از یک سو این نقش را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پی آن هستیم که ببینیم آیا در شرایط کنونی، چنین نقشی را می‌توان برای اعمال کیفر حبس قائل شد یا خیر و اگر زندان، دیگر فاقد چنین نقشی است، پس به قول فوکو (فیلسوف فرانسوی) «چرا تنبیه؟». پرسش دیگر این است که آیا زندان، خود به جای پیشگیری از بزه یا تکرار آن، نقش معکوس را بازی نمی‌کند و آیا خود جرم‌زا نیست؟

۱. حتی شاخه‌ای از جرم‌شناسی رادیکال، موسوم به مکتب الغاء‌گرایی یا «Abolitionism» خواهان لغو کامل نظام کیفری متداول و بویژه زندانهاست. به منظور کسب اطلاعات کامل از این مکتب، بنگرید به: جیم توماس و شارون بویلفیلد، «الغاء‌گرایی»، ترجمه محمد رضا گو درزی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۷، سال ۱۳۸۰.

الف) پیشگیری نکردن از ارتکاب بزه

هر مجازاتی دارای ویژگیهایی است که می‌تواند از طرفی بزهکار را در جامعه مطرود سازد و آزارش دهد و از سوی دیگر، جامعه را در امنیت حاصل از اعمال مرتکبان بزه قرار دهد. بر همین مبنا اهداف چندی را برای مجازاتها قائل شده‌اند؛ از جمله: اصلاح و تربیت مجرم، اجرای عدالت، ارباب مجرم و بزهکاران بالقوه.

یکی از مهم‌ترین ویژگیها، ویژگی اربابی و بازدارندگی مجازات است. بدین معنی که به وسیله اعمال کیفر نسبت به بزهکاران، از یک سو ناکردگان بزه و آنهایی که قصد ارتکاب بزه دارند، مرعوب شده، مرتکب بزه نمی‌شوند و از طرفی دیگر، خود بزهکار از ارتکاب بزه جدید خودداری می‌کند. ارباب، هم شامل خود مجرم و هم شامل بزهکاران بالقوه می‌شود.^۱

اگر کیفر، مرعوب می‌کند، نه این ارباب امروز و دیروز، بلکه ترسی کاشته و آبیاری شده در قرن‌هاست و در نتیجه، دارای ریشه‌ای بسیار عمیق در اضطرابها و دلهره‌های بشری است که مدام با آنها سروکار داشته و این دلهره‌ها را به دیگران در قبال رفتارهای ضداجتماعی آنها انتقال داده است. عامل ترس و یا قدرت ترساننده مجازات، بدین دلیل توانسته قرن‌ها دوام پیدا کند که اصولاً بشر نسبت به حیات، آزادی، مال و آبروی خود علاقه‌مند است و تخطی نسبت به این ارزشهای پذیرفته شده را نگران‌کننده و غیرقابل گذشت می‌داند. بدین جهت، بشر در اعمال مجازات از همین احساس عمیق و علاقه بشری نسبت به حیات، آزادی، مال و آبروی خود برای ترساندن الهام گرفته و تهدید یا انهدام آنها را چاره احترام‌گذاری نسبت به آنها دانسته است.

وانگهی، ترس، یک عامل بازدارنده نیز محسوب می‌شود؛ چه بشر به دلیل حفظ امنیت خود و تمایل به آرامش و آسایش خیال، میل ندارد زندگی او دچار دلهره و اضطراب گردد. پس ترس از نوسانات زندگی و گرفتاریهای آن، شخص را از ارتکاب اعمالی که می‌داند در آینده برای او ایجاد چنین ناآرامی و دلهره‌هایی می‌کند، باز می‌دارد.^۲

۱. هوشنگ شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، انتشارات ویستار، چاپ دوم، ص ۲۷۶.

۲. رضانوربا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، ۱۳۷۵، ص ۲۷۰.





امروزه در اینکه آیا زندان می‌تواند موجب ایجاد هراس و ارعاب بزهکاران بالفعل و بالقوه و افرادی که تفکر مجرمانه در سر دارند، شود و بدین وسیله از ارتکاب جرم جلوگیری کند یا خیر، تردید وجود دارد و این امر که آیا مجازات زندان، در حال حاضر می‌تواند در حقوق کیفری ایران دارای اثر ترهیبی و بازدارندگی باشد، به شیوه‌ای دقیق و علمی به اثبات نرسیده است و بعید است مجازات زندان بتواند مانعی بر سر راه ارتکاب جرم باشد.

یکی از مواردی که می‌تواند مؤید این ادعا باشد، این است که با وجود اعمال مجازات زندان - صرف نظر از سایر دلایل - هر ساله بر میزان بزه‌ها، بزهکاران و زندانیان کشور افزوده شده است. جدول شماره یک که بیانگر آمار زندانیان کشور از سال ۱۳۵۸ تا مهر ۱۳۸۱ است، مؤید این است که مجازات حبس، اگرچه امکان دارد در پیشگیری فردی مؤثر باشد، در پیشگیری عمومی و عبرت‌آموزی به دیگران، تأثیری نخواهد داشت.

سال	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳
تعداد زندانیان	۹۹۹۴	۲۳۴۱۴	۳۳۱۹۸	۴۶۹۴۳	۴۸۳۷۷	۵۴۱۳۰
سال	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹
تعداد زندانیان	۵۱۰۹۰	۵۹۵۴۱	۷۱۱۶۵	۸۰۷۲۴	۶۶۳۶۸	۶۹۹۰۷
سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
تعداد زندانیان	۹۱۲۴۳	۹۳۰۴۷	۹۲۳۵۷	۱۰۰۴۸۱	۱۰۶۸۵۲	۱۳۳۲۳۳
سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
تعداد زندانیان	۱۵۵۵۱۰	۱۶۰۰۱۰	۱۵۵۷۸۲	۱۶۱۸۴۲	۱۶۶۱۱۳	۱۵۱۰۶۲

(جدول شماره ۱)

همچنین آمارهای دیگر نیز نشان می‌دهد از سال ۱۳۵۷ آمار جرایم، دستگیرشدگان مربوط به جرایم و آمار بزهکاران، هر ساله افزایش یافته است. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که مجازات زندان (و سایر مجازاتها) در کاهش آمار

جرایم، بازدارندگی و پیشگیری از جرم، تأثیری ندارد.^۱ علت این امر نیز این است که جرم، معلول علل و عواملی مانند فقر و بیکاری، بیسوادی، مهاجرت و... است که زندان در از بین بردن آنها هیچ نقش و تأثیری ندارد و تا وقتی علل و زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه وجود داشته باشد و هر ساله تشدید شود، زندان از ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد و بر این اساس، زندان تنها باید به عنوان آخرین حربه و در موارد بسیار محدود تجویز شود.

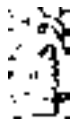
دکتر مظلومان در کتاب خود، *حقوق جزا و جرم‌شناسی* در این باره می‌نویسد:

رعب و ترس از مجازات نیست که مانع از وقوع جرم می‌شود، بلکه ظرفیت قدرت مقاومت افراد در برابر عوامل محرک و جرم‌زا و فقدان این عوامل در اجتماع است که باعث می‌شود افراد به طرف جرم روی آورند یا از دست زدن به آن خودداری ورزند. اگر علل جرم‌زا؛ چون فقر و بیکاری و بیسوادی و... در اجتماع، فراوان باشد، هر قدر افراد در برابر آنها مقاومت نمایند و به علت ترس از مجازات، مرتکب جرم نشوند، باز یک روز تواناییشان در هم شکسته می‌شود و سرانجام در دام بزهکاری می‌افتند... برای جلوگیری از ارتکاب جرایم، ایجاد ترس و واهمه از مجازات نمی‌تواند مثمر ثمر باشد، همان‌طور که در طول تاریخ، شدیدترین و وحشتناکترین مجازات‌ها هم نتوانست این رعب را به وجود بیاورد. مجازات (زندان) تنها مبارزه با مجرم است، در حالی که باید برای جرم، چاره‌ای اندیشید.^۲

نکته دیگر آنکه، هرچند از یک سو یکی از اهداف مجازات زندان، دور کردن بزهکار از جامعه برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم و تأمین امنیت جامعه و شهروندان است، ولی از سوی دیگر، امروزه ارتکاب انواع و اقسام رفتارهای مجرمانه در زندانها؛ چون خرید و فروش مواد مخدر، اعتیاد، روابط جنسی و انحرافات اخلاقی و تخریب و... ملاحظه می‌گردد. بدین ترتیب، می‌توان دریافت که زندان توان

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: عباس جوانفر، *بررسی مجازات‌های بدنی در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، سال ۱۳۷۹، صفحه ۸۲؛ سایت سازمان زندانها (www.iranprisons.org).

۲. رضا مظلومان، *حقوق جزا و جرم‌شناسی*، انتشارات کانون معرفت، ۱۳۵۲، ص ۴۶.



پیشگیری از ارتکاب بزه را ندارد و به جای ابزار و وسیله پیشگیری از بزه، به یک موقعیت، محیط و آلت جرم مبدل گشته است.

پس وقتی مجازات زندان نتواند کارکردهایی را که بدان منظور ایجاد شده، برآورده سازد، نتیجه آن، چیزی جز بی فایده بودن اعمال و اجرای آن و ناامنی قضایی نخواهد بود. این امر درباره جامعه و شهروندان آن که حق اعمال و تصدّی حاکمیت را به جامعه و دولت تفویض کرده اند تا امنیت آنان را در مقابل ارتکاب و صدمات جرم، تأمین کند و در کنار آن برای تحقّق این منظور، مالیات می پردازند تا صرف پیشگیری از بزه و نگهداری بزهکار در زندانها کند، بیشتر قابل تأمل و استناد است.

وقتی زندان نتواند از ارتکاب جرم پیشگیری کند و مصونیت جامعه و افراد آن را فراهم نسازد، بی شک، جامعه نه تنها نمی تواند با توسّل به آن، امنیت قضایی را برقرار سازد، بلکه بی اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی را نیز سبب خواهد شد.

ب) انتقال سابقه و تجربه های مجرمانه

مارک آنسل، درباره زندان می گوید:

زندان، دیگر در عمل، آنچه را که مدعی آن است؛ یعنی برای آن ایجاد شده، ارائه نمی دهد، هدف انسانهای سده هجدهم که برای زندان، اقسام و درجاتی را منظور کرده بودند؛ آن بود که مجازات مذکور جنبه عبرت انگیز به خود گیرد، انسانهای سده نوزدهم را نظر بر آن بود که زندان انفرادی، موجبات ندامت محکوم را فراهم می سازد و او را در اتخاذ تصمیم مبتنی بر ادامه زندگی شرافتمندانه یاری می دهد، انسانهای سده بیستم نیز زندان را مکان و وسیله بازپروری اجتماعی محکوم می دانند، ولی حقیقت این است که همه این امیدها بر باد رفته است. زندان ضمن آنکه باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزهکاری باشد، از همان آغاز به صورت یک مدرسه تکرار جرم بوده و یا به آن تبدیل شده است.^۱

۱. مارک آنسل، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری، و علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۸۷.



مجرم از تاریخ ورود به زندان تا خروج از آن، شخصیتی متفاوت پیدا می‌کند و زندان، نه تنها مجرم را اصلاح نمی‌کند، باعث حرفه‌ای‌تر شدن وی می‌گردد؛ زیرا رفتار متقابل زندانیان و تأثیرگذاری آنان بر یکدیگر، موجب انتقال سوابق مجرمانه می‌شود. در فرهنگ زندان، از کسی که مرتکب جرایم متعدد شده است، به عنوان یک فرد زیرک و زرنگ نام برده می‌شود. عرف زندان چنین است که در هر سلول که چندین (مثلاً حدود ۲۰ تا ۲۵ نفر) اقامت دارند، یک نفر به عنوان ارشد و مسئول کارهای آنها و برای رتق و فتق امور روزانه انتخاب می‌شود و یکی از شرایط انتخاب ارشد، سابقه‌دار بودن فرد و آشنایی با قوانین و ضوابط و مسائل زندان است (یعنی فرد سابقه‌دار، نسبت به دیگران امتیازاتی دارد و مجرمان حرفه‌ای در زندانها حالت پیشکسوت دارند). در مراودات زندان، اثری از رعایت نزاکت و ادب دیده نمی‌شود و اکثر مجرمان، جرم خود را کتمان نمی‌کنند و احساس شرمساری نمی‌کنند.^۱

مجموع عوامل فوق موجب می‌شود تا مجرم در هنگام خروج از زندان، حرفه‌ای‌تر شده، حالت خطرناک و جرم‌زایی وی بیشتر گردد. در پژوهشی که از زندان قصر به عمل آمد، محققان متوجه شدند بیشتر زندانیان به علت جرایم سنگین‌تر نسبت به جرایم قبلی، به زندان بازمی‌گردند و به دوستان خود وعده دیدار می‌دهند.^۲

در یک تحقیق آماری از برخی از زندانهای کشور؛ مشاهده شد که فقط ۸/۵ درصد مجرمان به مواد مخدر برای دومین بار به جرایم دیگری دست زده‌اند، در صورتی که همه مرتکبان خلاف در دومین مرتبه، مرتکب جرایم دیگری شده‌اند.^۳

بر اساس پژوهش مزبور، در برخی از موارد، مجازات زندان، نه تنها در مقابله با جرایم و تخلفات، موفقیت چندانی نداشته و باعث بالارفتن مقدار آنها شده است، موجب گردیده که ارتکاب بزه با وصفی تفکرانگیز، با کیفیتی به مراتب، بالاتر و سرعتی بیشتر صورت پذیرد. در نتیجه، زندان موجب ارتقای کیفیت جرایم شده؛ چرا

۱. عباس عبدی، تأثیر زندان بر زندانی، مؤسسه انتشاراتی نور، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲.

۲. همان، ص ۴۳۷.

۳. همان، ص ۴۳۵.



که هرچه تراکم زندانیان بیشتر باشد، مقدار یادگیری شگردها و حیل‌های بزهکاری نیز بیشتر می‌شود.

افزون بر این، کاهش امکانات فوق برنامه، طبقه‌بندی محکومان بر اساس سن (و نه سابقه) و سابقه محکومیت زندان نیز تأثیر بسزایی در افزایش میزان شگردهای مزبور دارد.^۱

پژوهش دیگری نیز نشان می‌دهد:

۲۹ درصد افراد به طور مرتب، مرتکب جرم شده، به زندان بازگشت نموده‌اند. بدین ترتیب، درمی‌یابیم که زندان، نه تنها برای افراد سابقه‌دار (یعنی ۲۹ درصد) کاری صورت نمی‌دهد (چون آمار ۲۹ درصد در طی ۵ سال، ثابت بوده است)، بلکه سایر زندانیان؛ یعنی زندانیان بی سابقه به طور غیرمستقیم در معرض آموزشهای غلط آنان قرار می‌گیرند. با این وضع، زندان نمی‌تواند مکانی اصلاحی و تربیتی باشد؛ چه با ادغام افراد با سابقه و بدون سابقه در کنار یکدیگر، موجبات یادگیری رفتار مجرمانه توسط افراد بدون سابقه را هم فراهم می‌آورد.^۲

[زندان] با ایجاد یک فرهنگ بزهکاری مشترک، می‌تواند زیربنای تشکیل باندهای مجرمانه را پس از زندان پایه‌ریزی کند.^۳

چه بسا مجرمانی که به علت ارتکاب جرایم ساده و سبکی (مثلاً اعتیاد یا قاچاق تنها چند گرم مواد مخدر) به زندان محکوم شده‌اند و در زندان بر اثر معاشرت با بزهکاران حرفه‌ای، پس از آزادی، به یک مجرم حرفه‌ای و خطرناک (قاچاقچی عمده و حرفه‌ای مواد) تبدیل شده‌اند و یا در درون زندان، باند و تشکیلاتی را تشکیل داده،

۱. همان، ص ۴۴۷.

۲. علی زینالی، محمد نارون و تورج محمدزاده، «بررسی آماری بازگشت مجدد زندانیان به عنوان شاخص اصلاح یا مجازات»، خلاصه مقالات دومین همایش سراسری عملی - تخصصی سازمان زندانها، ۲۷ و ۲۸ دیماه ۱۳۷۸، ص ۱۲.

۳. صابر درفشه، تحقیقی پیرامون زندان و پیامدهای آن، آرشیو مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندانها، ۱۳۷۹، ص ۴۷.

پس از آزادی از زندان، به صورت جمعی و گروهی به ارتکاب جرم پرداخته‌اند. امروزه اگرچه هدف از محکومیت به زندان، تأدیب و بازپروری محکوم است، ولی نکته جالب اینجاست که پس از آنکه نوع محکومیت مجرم بر اساس قوانین جاری تعیین شد، دیگر کسی نگران وضعیت کسی نیست.

در غالب موارد تئوری بازپروری، بازگشت سازنده محکوم به آغوش جامعه تعریف شده است، ولی حقیقت چیز دیگری را نشان می‌دهد؛ افزایش آمار جرایم و بزهکاری، شک و تردید در مورد ناکارای بودن زندانها را تشدید کرده است. زندان که در حال حاضر برای حل مشکل بزهکاری مورد توسل و تمسک قرار می‌گیرد، خود به یک عامل و محیط جرم‌زا تبدیل شده است و همان‌گونه که مارک آنسل می‌نویسد: «امروزه بحث بر سر این است که چگونه می‌توان جز در موارد استثنایی اجتناب‌ناپذیر، جامعه را از شر زندان رها ساخت»^۱، تراکم جمعیت کیفری زندانها، کمبود امکانات اصلاحی، ضعف مدیریت زندان و ناکارآمد بودن شیوه‌های اصلاحی زندان، موجب می‌شود که مجازات زندان، نه تنها تأثیری در اصلاح مجرمان نداشته باشد، حتی اسباب مجرم‌پروری را نیز فراهم آورد.

زندان با چنین شرایطی، جامعه را از صدمات و آماج بزهکاری مجدد (تکرار جرم) مجرمان زندانی مصون نمی‌سازد. دلیل این ادعا نیز آن است که اکثر مجرمان، سابقه یک یا چند محکومیت زندان دارند و این امر برای مردمی که یگانه امیدشان به دستگاه عدالت کیفری است، نتیجه‌ای جز بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی در پی نخواهد داشت.

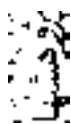
نکته دیگر آنکه سالانه رقمی حدود ۶۰۰ هزار نفر به اسم و عنوان بازداشت موقت، داخل زندانها می‌شوند و از این تعداد، ۴۷ درصدشان کمتر از ده روز و ۶۶ درصد هم کمتر از یک ماه در زندان به سر می‌برند (آمار مزبور مربوط به سال ۱۳۸۰ است)؛ یعنی در سال، چهار تا پنج برابر محکومان، بازداشت موقت داریم. در اغلب کشورها تکلیف کسانی که با عنوان بازداشت موقت، راهی زندان می‌شوند، ظرف ۲۴

۱. مارک آنسل، همان، ص ۸۷.

بازرسی

۱۱۴

تاریخچه بازداشت موقت



تا ۴۸ ساعت مشخص می‌شود، ولی در ایران، بر عکس این قضیه است و ما همواره با افرادی مواجه هستیم که مدتی را بدون تکلیف در بازداشت به سر می‌برند. بر اساس آمار، اکثر بازداشت‌موقتیها را کسانی تشکیل می‌دهند که به خاطر عجز از ایداع وثیقه و یا معرفی کفیل، به زندان معرفی می‌شوند.

نتایج و پیامدهای سوء زندان، شامل این گروه از متهمان نیز می‌شود و در طول بازداشت موقت که نسبت به محکومیت حبس، بسیار کوتاه‌مدت نیز می‌باشد، امکان اصلاح و بازپروری چنین افرادی وجود ندارد و به زندان فرستادن اینها تنها سبب می‌شود که در مجاورت با مجرمان حرفه‌ای، شگردها، شیوه‌ها و فنون مجرمانه را بیاموزند و پس از مدتی، دوباره با عنوان مجرم به زندان بازگردند؛ زیرا بازداشت موقت، زدن انگ مجرمانه به شخص ناکرده بزه و سپس آزادسازی وی است که این امر در بیشتر موارد، موجب فروریختن قبح بزهکاری و زندان می‌شود و زمینه‌های بزهکاری فرد را فراهم می‌سازد. افزون بر آن، موجب لکه‌دار شدن حیثیت خانوادگی فرد می‌شود و اگر با مبنا قرار دادن ۶۰۰ هزار نفر که سالانه با عنوان بازداشت موقت، وارد زندان می‌شوند، هر کدام از آنها جزء یک خانواده پنج نفری باشند، سالانه حدود ۳ میلیون نفر در معضلی به نام بازداشت موقت قرار می‌گیرند که نتیجه‌ای جز بی‌اعتمادی و بدبینی این تعداد نسبت به قوه قضائیه در پی نخواهد داشت و اگر بار دیگر به رقم مذکور بنگریم، به یکی از مهمترین علل تضعیف امنیت قضایی در جامعه پی خواهیم برد.

پیامدها و مشکلات ناشی از بازداشت موقت، در موارد چندی مورد توجه ریاست محترم قوه قضائیه نیز قرار گرفته است. وی می‌گوید:

سالانه حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر وارد زندانهای کشور می‌شوند که این عده از سه روز تا چند سال و به عناوین مختلفی چون محکوم، بازداشت موقت و یا قرارهای وثیقه و کفالتی که منتهی به زندان می‌شود، سر از زندان در می‌آورند. وقتی قرارهای تأمین را پنج‌شنبه و یا سنگین صادر کنیم، موجبات آلوده کردن فرد را فراهم می‌کنیم.^۱

۱. سخنرانی آیه‌الله شاهرودی، رئیس محترم قوه قضائیه در همایش بین‌المللی بررسی راههای جایگزین مجازات حبس، تهران، ۱۳۸۱/۲/۱۸.

بازداشت باید متناسب با اتهام شخص باشد و قضات محترم سعی کنند قراردادهای بازداشت موقت و اخذ وثیقه و کفالت را وقتی می‌خواهند صادر کنند، به روز تعطیل کشانده نشود تا متهم فرصت آوردن اسناد معتبر را داشته باشد.^۱

ایشان در جایی دیگر می‌گویند:

بازداشت‌های موقت که متأسفانه در نظام حقوقی و قضایی ما دست قاضی در آن بسیار باز گذاشته شده است، در فقه اسلام مورد منع است. حتی در مهمترین اتهام که قتل عمد است، در روایات صریح و فتاوا تأکید شده است که متهم به قتل عمد، بیش از شش روز بازداشت نمی‌شود، پس چگونه می‌شود که در یک نظام قضایی، چنین مسائلی پیش آمده که بازداشت موقت را اینقدر توسعه داده‌ایم که افراد به مدت یک سال، دو سال و حتی سه سال در بازداشت‌های موقت به سر می‌برند. در طی سال، حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ هزار زندانی داریم، ولی تعداد کسانی که در طی یک سال وارد زندان می‌شوند، ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر هستند؛ یعنی ما سالانه ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر از مردم کشورمان را وارد محیطی که از نظر فکری، اخلاقی، روانی و شکلی آلوده است، می‌کنیم و همان برخوردهای خاص قهری، تحقیرآمیز، خردکننده و شکننده را با زندانیان و محکومان داریم، با آنان برخورد می‌کنیم و روح و روان و فکر و قلب و خانواده آنان را خرد می‌کنیم و این در حالی است که تعداد محکومان، یک پنجم افرادی است که وارد زندان می‌شوند؛ ولی این برخوردها با همگان یکسان است.^۲

پر واضح است که چنین تعداد عظیمی از ورودیها و خروجیهای زندان در طول سال، خرده‌فرهنگهای مخرب و مجرمانه زندان را توسط زندانیان و یا محکومان آزاد شده، به جامعه منتقل می‌کند و موجبات بزهکاری بیشتر افراد جامعه را؛ اعم از بزهکاران بالقوه و بالفعل فراهم می‌آورد.

امروزه یکی از مهمترین مصادیق جرم‌زایی زندان، همین چرخه‌ای است که به وجود آمده است. مدام عده‌ای در حال وارد شدن و خارج شدن از زندان هستند و به

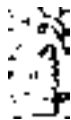
۱. فراسوی توسعه قضایی، انتشارات مرکز معاونت اجتماعی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه، ج ۲، ص ۱۶۷.

۲. سخنرانی آیه‌الله شاهرودی، همان، ۱۳۸۱/۲/۱۸.

بازداشت

۱۱۶

بازداشت



همراه خود، فرهنگ زندان را به جامعه منتقل می‌کنند.

با توجه به موارد ذکر شده فوق، به نظر می‌رسد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان و جداسازی آنان از متهمان، اولین گام ضروری برای بازپروری و بازسازی مجدد آنان است؛ زیرا عدم توجه به این مسئله مهم، نه تنها بازپروری آنها را غیرممکن می‌سازد، موجبات تکرار جرم را نیز فراهم خواهد آورد.

سرانجام باید گفت که زندان، امروزه نتوانسته است آسیب‌دیدگان اجتماعی را از آسیب دیدن بیشتر بازدارد، چه برسد به اهداف تربیتی دیگر و اصلاح مجرمان! آمار بالای تکرار جرم، دلیل بر بی‌تأثیری رویه‌های اعمال شده برای اصلاح و تربیت مجرمان است و این امر، همراه با سایر ایرادات زندان، یکی از عوامل از دست دادن اعتماد عمومی نسبت به دستگاه عدالت کیفری و ناامنی قضایی خواهد بود.

ج) ورود، خرید و فروش و استعمال مواد مخدر در زندان

یکی دیگر از مشکلات موجود در زندانها، مشکل وارد کردن مواد مخدر و استعمال و خرید و فروش آن مواد در داخل زندان است. این مسئله امروز برای سازمان زندانها به صورت یک معضل درآمده است. مجرمان زندانی با شیوه‌ها و ترفندهای گوناگون، مواد مخدر را به زندان وارد و اقدام به توزیع و استعمال آن می‌کنند. ورود مواد مخدر به زندان، ممکن است به چند طریق صورت گیرد:

۱. جاسازی بدنی توسط متهمان تازه‌وارد و یا محکومانی که از مرخصی بازمی‌گردند؛ از طریق روش بلع یا انبار.
۲. در ملاقات حضوری زندانیان با خانواده‌هایشان؛ از طریق جاسازی در کالاهای مورد نیاز زندانیان، مانند کفش ورزشی، مواد غذایی، پوشاک و....
۳. پرتاب کردن مواد مخدر در زمان هواخوری و یا ورزش زندانیان به داخل حیاط زندان با قرار قبلی.
۴. به واسطه خیانت مأموران (چه سرباز و چه نیروهای کادر) و یا کسانی که برای خرید مواد غذایی و سبزیجات و میوه به بیرون می‌روند و....

۵. به دست آوردن و بلعیدن مواد، حین نقل و انتقال یا رفت و آمد بین دادگاه و زندان و....

۶. به وسیله حیوانات تربیت شده؛ چون پرندگان، گربه و....
سیدمرتضی بختیاری، رئیس سازمان زندانها، در این باره می‌گوید:

از نیمه دوم سال ۱۳۷۸ تا مهرماه ۱۳۸۱، ۸۰ کیلوگرم هروئین در زندانهای کشور کشف شده است. در این مدت، ۱۲ هزار پرونده مربوط به کشف مواد مخدر در زندانهای کشور برای ارجاع به مراجع قضایی تشکیل شده که تخلفات نیروی انتظامی و پرسنلی، تنها ۵ درصد آن را تشکیل می‌دهد.^۱

همچنین آمار دیگری نیز حاکی از این است که تنها در سال ۱۳۸۰ بالغ بر ۱۴۳ کیلوگرم مواد مخدر در زندانهای کشور کشف شد که ۲۳ کیلوگرم آن هروئین و نود درصد موارد ورود از طریق جاسازی بدنی بوده است.

وارد کردن، توزیع و استعمال مواد مخدر در زندان، مخالف با اهدافی است که قانون‌گذار از مقرر کردن مجازات زندان در نظر داشته است، ولی زندان که باید در عمل، کانون اصلاح و بازپروری و تربیت مجرم باشد، تبدیل به محیطی مجرمانه شده است که هیچ فایده‌ای برای مجرمان و جامعه در پی ندارد و بحث از اصلاح و درمان مجرمان در چنین شرایطی، بی‌مورد است.

استعمال مواد مخدر در درون زندان، می‌تواند به دلایل مختلفی چون فشارهای روحی و روانی زندان، نیازهای جسمی و روانی و یا برای تفریح و تفنن صورت پذیرد. در حالی که ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر از زندانیان کشور رامعتادانی تشکیل می‌دهند که برای بازپروری و ترک اعتیاد، روانه زندان شده‌اند و حدود شصت تا هفتاد هزار نفر از زندانیان را سایر مجرمان مواد مخدر تشکیل می‌دهند که برای تحمل کیفر، بازپروری و اصلاح به زندان محکوم شده‌اند، فراوانی مواد مخدر و عرضه آن در زندان، جز جرم‌زایی و تحمیل هزینه‌های سنگین بر جامعه بابت نگهداری مجرمان در زندان، چه

۱. ماهنامه اصلاح و تربیت (دوره جدید)، سال اول، شماره ۱۰، دی‌ماه ۱۳۸۱، ص ۴۷.

دست‌آورد و نتیجه‌ای می‌تواند داشته باشد؟

البته لازم به یادآوری است که سازمان زندانها برای رفع این مشکل، اقداماتی انجام داده است؛ از جمله، ممنوع کردن ورود سربازان به بند، استفاده از مخبران محرمانه برای کشف جنایت مأموران کادر، تجهیز زندان به دوربینهای مداربسته و مواد یاب و استفاده از سگهای یابنده مواد، ولی باید توجه داشت که این اقدامات به تنهایی برای حل مشکل کافی نیست و دقت نظر و تدابیر و تمهیدات بیشتری را از جانب مسئولان و دست‌اندرکاران امر در این زمینه می‌طلبد.

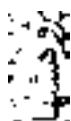
د) انحرافهای اخلاقی و جنسی در زندان

تا وقتی که نیاز هست، مسئله تأمین نیاز باقی است و جلوگیری از ارتکاب جرم یا سایر اعمال انحرافی، تنها به صورت تغییر نیازها با پیدا کردن راههای متفاوت برای تأمین آنها ممکن می‌گردد.^۱ از جمله نیازمندیهایی که در انسان وجود دارد، ارضای غریزه جنسی است که باید تأمین گردد و زندان به دلیل ویژگیها و محدودیتهایی که دارد، مانع از آن می‌شود که غریزه نهادی مزبور به طور طبیعی و مشروع، اشباع و ارضا گردد و در نتیجه، موجبات بروز انحرافات جنسی در میان زندانیان را فراهم می‌آورد.

امروزه مشکلات اخلاقی و روابط جنسی در زندانها را نمی‌توان انکار کرد. این روابط، خود یکی از عوامل شیوع بیماریهای خطرناک عفونی و مقاربتی؛ مانند: ایدز و هیپاتیت می‌باشد. اگرچه به گفته رئیس سازمان زندانها، میزان مسائل اخلاقی زندان در ایران نسبت به سایر کشورها پایین‌تر است، بروز و شیوع این معضل در زندانهای کشور، امروزه از یک طرف و عدم اعلام و بعضاً انکار این مسئله از سوی دیگر، سبب گردیده است تا توجه چندانی به آن نشود^۲ و راهکاری را نیز نتوان برای کاهش و رفع آن ارائه داد. باید پذیرفت که چنین موضوعی امروزه در زندان وجود دارد و بر اساس سلسله‌مراتبی که به سبب ضعف و قدرت در زندان وجود دارد، افراد ضعیف‌تر

۱. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، کتابخانه گنج دانش، ص ۱۶۳.

۲. البته در ایران ایجاد ملاقاتهای شرعی را باید گامی برای کاهش این مشکل برشمرد.



همیشه در معرض آزار و تجاوز جنسی قرار دارند و این روابط از همان شب اول ورود به زندان شروع می‌شود.^۱

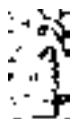
ه) تأثیر زندان بر محله‌های اطراف

یکی دیگر از مصادیق جرم‌زایی زندان، تأثیر زندان بر محله‌های مجاور آن است. زندانهای داخل شهر، بخشی از بافت شهر محسوب می‌شود و همانند سایر اجزای شهر، با اطراف خود، کنش و واکنش اجتماعی و فرهنگی دارد و از آنجا که زندانیان عمدتاً از افراد خطاکار جامعه هستند، تأثیر فرهنگی آنها بر محله‌های اطراف زندان می‌تواند زمینه‌های افزایش میزان جرم را در بین مغازه‌دارها، قهوه‌خانه‌ها و حتی خانواده‌های اطراف به وجود آورد. از سوی دیگر، زندانیان داخل زندان به اشکال مختلف، با مردم خارج از زندان نیز در ارتباط هستند. گاه این ارتباط، پس از آزادی برقرار می‌شود و یا در زندان به وسیله ملاقات‌کنندگان و یا سایر راهها. بنابراین، اولین محلی که در این ارتباط، متأثر می‌شود، محله‌های اطراف زندان است. آنچه در محله‌های اطراف زندان اتفاق می‌افتد، موجب آشناسدن کسبه، جوانان جوپای کار و خانواده‌های ساکن در اطراف زندان با این رمزها شده، می‌تواند بهداشت روانی محله را به خطر اندازد.

در یک پژوهش انجام شده در میدان روبه‌روی زندان قصر، به این مسئله پرداخته شد. در این میدان، هر روز صبح تعداد زیادی جوان برای کار مراجعه می‌کنند و مدتی در انتظار می‌مانند تا فردی بیاید و آنها را برای کار در آن روز استخدام کند و اگر تا نزدیک ظهر، کسی پیدا نشد، مجبورند به خانه برگردند. تعداد دیگری از افراد در میدان روبه‌روی زندان قصر حضور دارند که قبلاً زندانی بوده‌اند و یا با زندانیها کار دارند. معمولاً رمز ارتباطات معیوب را می‌دانند و به نوعی به کارچاق‌کشی، فروش اموال

۱. برای کسب اطلاع بیشتر درباره مشکلات جنسی زندانیان، ر.ک: جواد یآوری، بررسی مشکلات جنسی زندانیان ایران و ایالات متحده (مطالعه تطبیقی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۱.





مسروقه و کارهای مربوط به زندانیان در شهرها مشغول هستند. ارتباط بین این دو گروه؛ یعنی کارگران در انتظار کار و زندانیان سابق، بحث پژوهش مزبور بود.

جو حاکم بر میدان زندان قصر با کارکردهای منفی که دارد، متأثر از وجود زندان قصر است که سالها بر محله‌های اطراف خودش تأثیر گذاشته است. اسکان برخی از زندانیان آزاد شده در محله‌های اطراف زندان و حضور روزانه آنان در میان خانواده زندانیان برای ملاقات با زندانیان مورد نظر، اثرات نامطلوب اجتماعی بر محله‌های اطراف زندان دارد. زندانیان آزاد شده مستقر در میدان روبه‌روی زندان قصر، همواره در کمین هستند تا جوانان جویای کار را در کارهای خلاف به کار گیرند.^۱

مشکل مزبور، تنها اختصاص به زندان قصر ندارد، بلکه در تمامی زندانهایی که در مجاورت شهرها قرار دارد، این را می‌توانیم مشاهده کنیم. به نظر می‌رسد با انتقال زندانها به خارج از محدوده شهرها بتوان این معضل اجتماعی را برطرف کرد.

و) خشونت‌های زندان

خشونت در زندان نیز یکی از مسائلی است که امروزه به نوبه خود، قابل توجه است و مشکلاتی را به همراه دارد. خشونت در زندان، ممکن است به صورت جسمانی (مانند ضرب و شتم، کتک زدن، خودزنی و قتل) یا خشونت روانی باشد (مانند تحقیر، دشنام دادن، توهین، اذیت و آزار). افزون بر اینکه وجود خشونت‌های جنسی (مانند تجاوز) و خشونت‌های بهداشتی (مانند آلودگی زندان) را نیز نباید از نظر دور داشت. در کنار مسائل مزبور، خشونت‌های زندانبانان نسبت به زندانیان نیز واقعیتی قابل تصور است. خشونت در زندان، می‌تواند علل و عوامل متعددی داشته باشد که یکی از آنها

۱. عزت‌الله سام‌آرام، «اثرات آسیب‌شناختی زندانهای داخل شهر بر محله‌های اطراف آن»، چکیده مقالات برگزیده نخستین همایش سراسر علمی - تخصصی «شیوه‌های نوین مدیریت زندانها و اصلاح و تربیت زندانیان»، اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۲۴. اخیراً در توافقی میان سازمان زندانها و شهرداری تهران، زندان قصر به شهرداری تهران فروخته شده و قرار است که این زندان به خارج از شهر (حسن‌آباد) منتقل شود.

تراکم بالای زندانیان در فضای محدود و اندک زندان است. فشارهای روانی زندان؛ مانند احساس غربت، تنهایی، دلتنگی، بی‌پناهی، نگرانی برای خانواده و... نیز از علل تشدیدکننده خشونت در زندانهاست.

بدین ترتیب، امروزه زندان با توجه به خشونت و قیودی که بر آن حکمفرماست، تنها آزادی محکوم را از وی سلب نمی‌کند، بلکه یک تنبیه واقعی بدنی، روحی و روانی است که به تمامیت جسمانی و روانی محکوم آسیب می‌رساند و نتیجه آن، طغیان و پرخاشگری روزافزون، توسل به خشونت و انتقال آن به دیگران است. در این میان، زندانیان ضعیف‌تر بیشتر در معرض خشونت قرار می‌گیرند و بعضاً به بردگانی تبدیل می‌شوند که از ترس انتقام‌جویی قوی‌ترها، چاره‌ای جز سکوت و تحمل خشونت ندارند. چنین سلسله‌مراتبی، واقعاً در زندانها وجود دارد و حقوق ضعیفا از این حیث، همیشه در معرض پایمال شدن بوده است.^۱

بنابراین، زندانی که گفته می‌شد مکان اصلاح و بازپروری مجرم برای بازگرداندن وی به یک زندگی شرافتمندانه است، در عمل، چیزی فراتر از یک محیط مجرمانه، و به قولی، مدرسه آموزشی شگردهای بزهکارانه است و این امر، مبنا و اساس اعمال و اجرای مجازات زندان را به‌عنوان مجااتی ضروری، عادلانه و سودمند، زیر سؤال می‌برد.

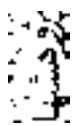
(ز) طرد اجتماعی و بیکاری

یکی دیگر از پیامدهای منفی زندان، طرد اجتماعی و از دست دادن شغل است. بزهکاری که پس از تحمل کیفر حبس، از زندان آزاد شده، وارد اجتماع می‌شود، در سر راه اشتغال خویش، موانع بی‌شماری می‌یابد و حتی در بسیاری از موارد، به دلایلی از قبیل بی‌اعتمادی کارکنان دولت به وی، غیبت طولانی از محیط کار و از دست دادن سرمایه، شغل سابق خود را نیز از دست می‌دهد.

بدیهی است که هرچه حساسیت این مشاغل نسبت به زندان بیشتر باشد، برگشت

۱. تأثیر زندان بر زندانی، ص ۴۶۳.





مجدد به کار و یافتن شغل مشابه آن، مشکل‌تر و امکان آن، کمتر خواهد بود. این امر، در روحیه و طرز نگرش زندانی آزاد شده تأثیر گذاشته، تغییراتی را در شخصیت او به وجود می‌آورد که الزاماً و بناچار، او را به کارهایی سوق می‌دهد که نسبت به زندان، سایر مجازاتها و انواع جرایم، تأثیرپذیر نباشد و حساسیت کمتری داشته باشد؛ زیرا این‌گونه افراد، در مقابل وسوسه‌های شیطانی، به قدری ضعیف هستند که یارای مقاومت در برابر آنها را ندارند و نمی‌توانند خود را با اوضاع و احوال نوینی که برای آنها به وجود آمده است، تطبیق دهند. آنان عنان قدرت را از دست می‌دهند و برای چاره‌جویی، به جرایمی مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، ولگردی و گدایی روی می‌آورند.^۱

با توضیحی که داده شد، علت بازگشت مجدد زندانیان به زندانها که میزان آن در ایران هفده درصد اعلام شده است،^۲ مشخص می‌گردد. زندانی پس از آزادی از زندان، نه پس‌اندازی دارد و نه سرمایه‌ای و برای شروع یک زندگی سالم، با مشکل مواجه است. نداشتن حرفه و تخصص و مطالبه عدم سوء پیشینه در ادارات دولتی برای استخدام، بدبینی و اعتماد نداشتن به آنها و عدم ارجاع کار و یا ارجاع مشروط به معرفی ضامن - که معرفی آن در توان بسیاری از زندانیان آزاد شده نیست - و نیز حجم بالای بیکاری در کشور، مزید بر علت می‌شود تا پس از چندی، وی به زندان بازگردد. در واقع، آزادی زندانی به معنای بازگشت او به شرایط وقوع جرم است. وقتی فقر، بیکاری، کم‌سواد، نداشتن مهارت و تخصص، شرایط خانوادگی نامناسب و... همواره در جامعه استوار و برقرار باشد، دور کردن موقت فرد از آنها چه سودی به حال او دارد؟ وقتی فرد نتواند شغل و پایگاه اجتماعی مناسبی در جامعه کسب کند، مجدداً به سمت ارتکاب جرم کشیده می‌شود.

تشکیل و حمایت انجمنهای حمایت از زندانیان و مراکز مراقبت بعد از خروج (در حال حاضر ۲۸ مرکز مراقبت پس از خروج و ۱۵۶ انجمن حمایت از زندانیان در

۱. مهدی کی‌نیا، *مبانی جرم‌شناسی*، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲. *ماهنامه اصلاح و تربیت*، سال اول، شماره ۹، ص ۴۶.

کشور وجود دارد) مسکن، امکانات و کمکهای اولیه مادی و معنوی برای زندانیان آزاد شده، کارآموزی زندانیان و فعال کردن بخش مربوط به آموزش تحصیلی برای آنان، تا مقدار زیادی بازگشت مجرمان به زندان را کاهش خواهد داد.

به گفته سیدعلی تهامی، مدیر کل تربیتی و آموزشی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، در صورت فعال کردن بخش مربوط به آموزش تحصیلی برای زندانیان، می‌توان ۶۶ درصد از تعداد زندانیان بازگشتی به زندانها را کاهش داد. اخیراً نیز توافقنامه‌ای در این باره بین سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، آموزش و پرورش، دانشگاههای پیام نور، آزاد اسلامی و جامع علمی-کاربردی برای فراهم آوردن امکانات ادامه تحصیل زندانیان در زندان تهیه و تنظیم شده است.^۱

ح) جرم‌زایی و یافته‌های دیگر

افزون بر مواردی که ذکر شد، زندان به طرق دیگری نیز می‌تواند زمینه‌های ارتکاب جرم را فراهم آورد که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

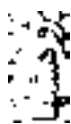
۱. نبود امکانات سرگرمی و تفریحی - ورزشی به اندازه نیاز در زندان، می‌تواند زمینه بروز و ارتکاب اعمال ممنوع را نظیر شرط‌بندی و قمار و تخریب تأسیسات زندان به قصد سرگرمی فراهم آورد. افزون بر آن، امکان وقوع تخلفات و اعمالی چون سرقت، قتل، ضرب و جرح، خودزنی و... را در زندان نیز نباید از نظر دور داشت.

۲. ایجاد بدبینی و روحیه انتقام‌گیری در زندانیان و خانواده آنان، بویژه در کسانی که به ناحق سر از زندان درآورده‌اند و یا میزان مجازات را عادلانه و متناسب با نوع عمل خود نمی‌دانند و همچنین کسانی که با قرار بازداشت موقت روانه زندان شده‌اند، انگیزه توجیه‌کننده‌ای برای ارتکاب جرم توسط این دسته از افراد می‌شود و بعضاً ارتکاب جرم در این موارد، نوعی اعتراض به تصمیم و نظام عدالت کیفری خواهد بود.

۳. ورود کارکنان دولت و افراد نظامی و انتظامی به زندانها، افزون بر افت اعتبار

۱. ر.ک: سایت اطلاع‌رسانی سازمان زندانها (www.Iranprisons.ir).





فردی و موقعیت شغلی، سبب کاهش کارآیی و در نهایت، اخراج و بیکاری این‌گونه افراد خواهد شد.

۴. ممانعت از بازگشت به کار سابق، طرد و تحقیر زندانی و خانواده وی از طرف جامعه و از دست دادن موقعیت شغلی و اجتماعی، منجر به تکرار جرم می‌شود.
۵. استفاده نکردن بهینه و مؤثر از زندانیان آزاد شده و نیز استفاده نکردن صحیح و مؤثر اوقات فراغت و بیکاری، زمینه انحراف و بزهکاری مجدد آنها را فراهم می‌کند.
۶. الگوپذیری کودکان و نوجوانان خانواده‌های زندانی از اعضای خود، می‌تواند منجر به ارتکاب جرم توسط آنان گردد.

۷. عادی شدن مجازات زندان برای جوانان متعلق به خانواده‌های آسیب‌پذیر یا زوال قبیح مجازات.

۸. افزایش میزان طلاق به علت زندانی شدن سرپرست خانواده، افت وضعیت تحصیلی فرزندان، ایجاد مشکلات معیشتی و اقتصادی برای خانواده محکوم و به طور کلی، تشدید علل و عوامل جرم‌زا؛ مانند بیکاری، فقر، مهاجرت و...

بنابراین، امروزه زندان که خود باید ابزاری برای پیشگیری و کنترل بزهکاری و کاهش آمار جرایم باشد، به یک عامل، محیط و ابزار جرم‌زا تبدیل شده است که این امر برای امنیت قضایی و دستگاه قضایی کشور، بسیار مخاطره‌انگیز است و موجبات بدبینی و اعتماد نکردن جامعه به نظام عدالت کیفری را فراهم می‌آورد.

افزون بر نارساییهای یادشده در این مبحث، زندان، مشکلات، نارساییها و عواقب دیگری نیز چون مشکلات بهداشتی و درمانی، پیامدهای خانوادگی و اجتماعی برای زندانی و... را نیز در پی دارد که در مبحث بعدی بدان خواهیم پرداخت.

مشکلات بهداشتی و پیامدهای اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی

زندان، افزون بر مواردی که ذکر شد، پیامدها و مشکلات بی‌شمار دیگری را نیز به همراه دارد؛ مشکلات بهداشتی که ناشی از تجمع توده انسانی در زندان است، مشکلات و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زندان و سرانجام، مشکلاتی که

زاینده این مشکلات است. این نکته را هم پیشاپیش بیفزاییم که بسیاری از این مشکلات و پیامدهای منفی، مولود زندانهای بسته است و این «سم مهلک»؛ یعنی زندانهای بسته، منشأ بسیاری از مفاسد و نارساییهاست. بنابراین، به عقیده ما اگر خواهان رفع این مشکلات هستیم، باید در پی حذف رژیم زندانهای بسته و یا «اکتفا به حداقل» آنها باشیم.

الف) مسائل بهداشتی زندان و بیماریهای واگیر

از جمله موارد قابل توجه، مسئله پیامدها و مشکلات بهداشتی زندان است که امروزه تنها اختصاص به کشور ایران ندارد، بلکه در تمامی کشورها قابل ملاحظه است. بهداشت زندان شامل بهداشت شخص (جسمانی و روانی) و محیط است. یکی از مهمترین مسائلی که امروزه ذهن بسیاری از مسئولان و متولیان امر را به خود مشغول کرده، شیوع و گسترش ایدز و سایر بیماریهای مُسری و عفونی در زندانهای کشور است. در حال حاضر، آمار دقیقی درباره اینکه چه تعداد از زندانیان کشور مبتلا به ایدز و یا هپاتیت هستند، وجود ندارد، ولی مسلم است که تعداد مبتلایان به ایدز در زندانها بیشتر از افراد مبتلا در جامعه است و حتی برخی پژوهشها این آمار را ۵/۵ تا ۱۰ برابر بیماران موجود در جامعه ذکر کرده‌اند.^۱ شیوع هپاتیت نیز در بین زندانیان، ۹ تا ۱۰ برابر و شیوع سل، ۴ تا ۱۷ برابر جمعیت عادی گزارش شده است.^۲ استفاده از سرنگ آلوده و مشترک، روابط جنسی زندانیان و فقدان بهداشت، از عوامل بروز و شیوع بیماریهای مذکور است. رئیس محترم سازمان زندانها در این باره می‌گوید:

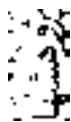
اساساً وضعیت بهداشتی زندانها به هم ریخته است و باید برای آن یک فکر جدی کرد؛ مثلاً کارتن خوابهایی هستند که دو سال حمام نرفته‌اند و بدنشان زخم شده است

۱. «گزارش وزارت دادگستری آمریکا پیرامون شیوع ایدز در زندان»، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال

اول، شماره ۵، مرداد ۱۳۸۱، ص ۳۷.

۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ماهنامه نجات، شماره دوم، خرداد و تیر ۱۳۸۰، ص ۸.





و ما مجبور به پذیرش آنها هستیم... زندانها مکانهای اصلی پرورش ایدز و بیماریهای مُسری هستند. افزایش جمعیت کیفری زندانها منجر به افزایش آمار مبتلایان به ایدز گردیده است.^۱

چندین عامل، مخاطره‌آمیز بودن وضعیت بهداشتی زندان را تشدید می‌کند:

عامل نخست، تراکم جمعیت و کمبود فضا است که امکان ارائه خدمات درمانی - بهداشتی و تأمین بهداشت فردی و عمومی زندانیان را بسیار دشوار می‌سازد. هرچه تراکم جمعیت زندان بیشتر باشد، خطر ابتلا به ایدز و هپاتیت و بیماریهای مقاربتی افزایش می‌یابد (میزان تراکم زندانیان در ایران ۴ تا ۶ برابر ظرفیت معمول اعلام شده است). عامل دوم، چرخه ورود و خروج زندانیان است که بر اساس آن، هر سال تعدادی از زندانیان از زندان آزاد و عده دیگری پذیرش می‌شوند که هرچه این ورود و خروج بیشتر باشد، احتمال بروز مشکلات و بیماریهای خطرناک و مُسری بیشتر می‌شود. افزون بر آن، مبتلایان پس از ورود به جامعه، ممکن است بیماری خود را به دیگران منتقل و از این طریق، بهداشت و سلامت اجتماع را نیز به مخاطره اندازند. عامل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، رواج و شیوع اعتیاد در زندانهای کشور و استفاده از سرنگ مشترک است؛ به گونه‌ای که بعضاً معتادان تزریقی از یک سرنگ، تا ۵۰ بار و یا بیشتر استفاده می‌کنند و حتی استفاده از سرنگ به صورت اجاره‌ای نیز در میان زندانیان رواج دارد. این امر، احتمال ابتلا و شیوع ایدز و هپاتیت و بیماریهای عفونی را به نحو چشمگیری افزایش می‌دهد. لزوم جداسازی زندانیان مبتلا از دیگران و آموزش زندانیان در مورد راههای انتقال بیماریهایی چون ایدز، هپاتیت و... می‌تواند در این راستا بسیار مؤثر باشد. نکته قابل اشاره این است که تراکم و افزایش جمعیت کیفری زندانها، افزایش بیماریها و امراض و ناراحتیهای جسمی و روانی را در پی داشته است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۰، ۲/۵ میلیون اقدام بهداشتی برای مراقبت و معالجه زندانیان بیمار در زندانهای کشور صورت گرفته است و این امر، سطح کیفیت و کمیت ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در زندانها را کاهش داده است.^۲

۱. همان، ص ۹.

۲. روزنامه جام جم، ۸۱/۳/۱۷.

همچنین از دیگر پیامدهای بهداشتی زندان، مسئله بهداشت روانی زندان است. بهداشت روانی شامل فعالیتهایی می‌شود که افزون بر پیشگیری از ابتلا به مشکلات و اختلالات روانی و عصبی، فرد زندانی را برای ارتقای بهداشت روان یاری کند. اساس فعالیتهای بهداشت روان بر پیشگیری از ابتلای زندانیان به اختلالات روانی و عصبی استوار است، در حالی که متأسفانه امروزه زندان تنها علیه آزادی محکومان اعمال نمی‌شود و کارشناسان آگاه به مسائل زندان به ما می‌گویند:

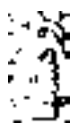
زندان با توجه به خشونت و قیودی که بر آن حکمفرماست، یک تنبیه واقعی بدنی و روحی و روانی است که افزون بر جسم، به تمامیت روانی محکوم نیز آسیب می‌رساند، هویت او را از بین می‌برد و آنچنان اختلالاتی در وی ایجاد می‌کند که نتیجه آن، یا اطاعت کورکورانه است که در آن، فرد، مفهوم «آزادی و میل به ابتکار عمل» را از دست می‌دهد، یا به عکس، حالت «طغیان» است که به صورت پرخاشگری روزافزون و توسل به خشونت متجلی می‌شود.^۱

زندان، تأثیر عمیق و مهمی بر روح و روان زندانی بر جای می‌گذارد که این تأثیر، شاید تا سالیان دراز پس از آزادی از زندان نیز هنوز باقی بماند. منتقل شدن به زندان، تنها یک انتقال فیزیکی نیست؛ زندانی تازه‌وارد، کسی است که از یک وضعیت اجتماعی معین که در آن، پایگاه و نقش ویژه‌ای در بین اعضای جامعه برخوردار بوده و از ارزشهای ویژه‌ای حمایت و پیروی می‌نموده، به وضعیت اجتماعی دیگری پای نهاده که فشار زیادی به روح و روان وی وارد می‌آورد که عواقب سوء آن، غیرقابل انکار است.^۲

افزون بر مواردی که ذکر شد، مسائل بهداشتی محیط زندانها نیز نکته‌ای قابل توجه است. در حال حاضر، ساختمان بسیاری از زندانهای کشور، فرسوده است. بناهای قدیمی زندانها به تدریج فرسوده و مستهلک گردیده و تراکم موجود نیز میزان استهلاک را بالا برده است. این امر و همچنین روشهای ناقص جمع‌آوری و دفع زباله و فاضلاب، موجب تجمع حشرات و جوندگان موذی در محیط زندانها می‌گردد و

۲. تأثیر زندان بر زندانی، ص ۱۸۲.

۱. دفاع اجتماعی، ص ۸۷.



خطرات بهداشت محیطی بالقوه‌ای را سبب می‌گردد. سطح پایین فرهنگ زندانیان نیز بر مشکل مزبور دامن می‌زند.

مسئله دیگر درباره آب شرب زندان است. به راستی ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار نفر زندانی، در روز به چه حجمی از آب نیاز دارند؟ اگر حداقل آب مصرفی هر زندانی را ۲۰ لیتر در نظر بگیریم، تأمین چنین حجمی با شبکه‌های آب‌رسانی شهری ممکن نیست. هدر رفتن آب توسط زندانیان و خراب کردن شیرآلات، این مقیاس را افزایش می‌دهد، به طوری که یک گزارش کارشناسی که در سال ۱۳۶۹ از یکی از زندانهای تهران تهیه شده بود، نشان می‌داد جمعیتی ۲۰۰۰ نفره در زندان، آب مورد نیاز تقریباً ۳۰۰۰۰ نفر را مصرف می‌کرده است. این امر موجب می‌شود برای کاهش جبران آب، آب شرب را از چاه استحصال کنند. کنترل این شبکه‌ها و پالایش کیفیت آب از نظر شیمیایی و میکروبی، از مسائل عمده بهداشت محیطی زندانهاست. آلودگی آب در زندانها خطر شیوع و بروز بیماریهای میکروبی و انگلی را بیشتر می‌کند که در صورت گسترش، این بیماری در شهرها نیز شیوع خواهد یافت.

وضعیت نامناسب فاضلابها، وضعیت جمع‌آوری و دفع فاضلاب و تولید روزانه حدود ۶۸ تن زباله در زندانهای کشور و اثرات سوء آن بر محیط زیست نیز به نوبه خود، از نکات قابل توجه و تأمل می‌باشد.^۱

ب) پیامدهای اقتصادی زندان

مسئله دیگر، پیامدهای اقتصادی زندان بر جامعه و افراد آن است. یکی از موارد مزبور، هزینه نگهداری زندانیان برای جامعه است که با توجه به فقدان شرایط لازم برای اصلاح و بازپروری بزهکاران با زندان، این هزینه، هزینه‌ای بی‌مورد، بی‌فایده و غیرضروری است که بر جامعه تحمیل می‌گردد.

در حال حاضر، حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار نفر از محکومان در زندانهای کشور

۱. ماهنامه اصلاح و تربیت، سال ششم، (دوره قبلی) شماره ۷۱، دی و آذر ۱۳۷۹، ص ۸.

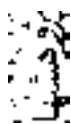
نگهداری می‌شوند و از سوی دیگر، هزینه سرانه واقعی هر زندانی در روز، در حدود ۴۰۰۰۰ ریال تعیین شده است که سالانه بابت نگهداری مجرمان، مبلغ هنگفتی بر جامعه تحمیل می‌گردد. این رقم، تنها هزینه نگهداری مجرمانی است که به طور ثابت و به عنوان محکوم در زندانها به سر می‌برند، وگرنه سالانه ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر به دلایل مختلفی چون: قرارهای بازداشت یا قرارهای وثیقه، کفالت و امثال آن - که شخص قدرت پرداخت آن را ندارد- وارد زندان شده، پس از مدتی آزاد می‌شوند؛ که هزینه تحمیلی به جامعه توسط این افراد نیز قابل توجه است.

صرف این هزینه در حالی صورت می‌گیرد که این سرمایه‌گذاری و هزینه‌ها به‌طور محسوس، نتیجه‌ای به دنبال ندارد. جامعه در حالی مجبور به تأمین چنین هزینه‌ای است که امروزه از نظر اقتصادی، مشکلات بی‌شماری را در پیش رو دارد. به راستی اگر نیمی از این هزینه سنگین را به نهاد پیشگیری از جرم و آموزشهای همگانی پیشگیری از بزه و از بین بردن علل و عوامل جرم‌زا اختصاص دهیم، به نتایج بهتر و مفیدتری دست نخواهیم یافت؟ رئیس محترم سازمان زندانها در این باره می‌گوید:

اگر این همه سرمایه‌گذاری دولت، قوه قضائیه، دادگاهها، نیروی انتظامی و... تنها صرف این بشود که ما عده‌ای را بگیریم و به زندان بفرستیم و امکانات لازم را برای تربیت و درمان و اشتغال‌آموزی به آنها نداشته باشیم، در واقع، هیچ حاصلی به دست نیاورده‌ایم و هرچه را کشته‌ایم، به باد داده‌ایم... اگر بتوان در هزینه‌های زندان صرفه‌جویی کرد، مازاد این بودجه را می‌توان به راه‌اندازی اردوگاههای کار اختصاص داد تا در آن به آموزش حرفه و شغل به زندانیان پرداخت و زمینه اشتغال زندانیان را در بخشهای کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و... فراهم آورد و همچنین برای سایر زندانیان، برنامه آموزشی، تربیتی، روان‌درمانی و... را اجرا و اعمال کرد. بازده و برون‌داد زندان، از لحاظ اقتصادی مطلوب نیست و یک‌دهم هزینه‌ها و مخارجی که صرف نگهداری زندانیان می‌شود، برای جلوگیری از به وجود آمدن چند مجرم، کفایت می‌کند.^۱

۱. ماهنامه نجات، شماره دوم، خرداد و تیر ۱۳۸۰، ص ۸.





یکی دیگر از پیامدهای اقتصادی زندان، قطع رابطه شغلی و اقتصادی محکوم و حذف نیروی انسانی قابل توجهی از مدار توسعه اقتصادی و انسانی کشور است که نتیجه آن جز کاهش تولید ناخالص داخلی و تشدید بحران اقتصادی، چیز دیگری نخواهد بود. در شرایطی که حدود ۲۰ درصد از جمعیت فعال کشور در بیکاری به سر می‌برند، حبس بسیاری از نیروهای انسانی و سلب امکان کار از آنها نکته قابل تأملی است. افزون بر آن، تعدادی از زندانیان مزبور دارای کارگاه و محل کار بوده‌اند که زندانی شدن آنها منجر به تعطیل محل کار و کارگاه آنان می‌شود و به نحوی، موجبات ازکارافتادگی کارگران شاغل در این کارگاهها را نیز فراهم می‌آورد.

در یک پژوهش به عمل آمده از ۹۶۹ نفر از زندانیان مالی، مشخص شد که ۵۰ نفر از آنان بیش از ۵۰۰ نفر کارگر را تحت پوشش داشتند و ۵۴۹ مورد تا ۵۰ نفر را تحت پوشش داشته‌اند که به دنبال زندانی شدن این افراد، کارگران آنها نیز بیکار شده‌اند.^۱ ساختار اقتصادی و پیوستگی ایفای تعهدات در عرصه اقتصادی به گونه‌ای است که اگر یک نفر زمین خورد، زمین خوردگی وی به صورت زنجیروار، دامن دیگران را نیز می‌گیرد. این سخن درباره اشخاصی که به علت ورشکستگی و عجز از پرداخت دُیون خود به زندان افتاده‌اند، بیشتر قابل استناد است و در بسیاری از مواقع، ما با چرخه‌ای از ورشکستگان مواجه هستیم که زندانی کردن آنها نه تنها مشکلی را از طلبکاران آنها حل نمی‌کند، بلکه...^۲

نکته‌ای دیگر درباره پیامدهای اقتصادی زندان، این است که از آنجا که بسیاری از زندانیان به دلیل عجز از پرداخت جزای نقدی، دیه و یا دُیون، در زندانها به سر می‌برند، برای خلاصی از زندان، به دریافت پول و معاملات ربوی متوسل می‌شوند. نتیجه این امر، چیزی جز تشدید پدیده رباخواری در کشور نخواهد بود و این در حالی است که وجود معاملات ربوی و رباخواری، خود یکی از علل ورشکستگی تجار و افراد جامعه و برهم‌زننده نظم و نظام اقتصادی کشور است.

۱. «گزارش مرکز پژوهشهای مجلس از وضعیت اسفبار زندانیان مالی زندان قصر»، روزنامه نوروز،

۲. همان.

از دیگر پیامدهای اقتصادی زندان، می‌توان به تأثیر زندان بر موقعیت جغرافیایی شهر و سرمایه‌گذاری نکردن در محدوده زندان، تأثیر مخرب زندان بر روی محیط زیست، هزینه‌های صرف شده برای ساخت زندانها، حقوق و مخارج پرسنل اداری، انتظامی و خدماتی زندان، هزینه تعمیر و مرمت زندان، هزینه‌های بهداشتی و درمانی زندان، هزینه‌های مربوط به برنامه‌های اصلاحی، کارآموزی و پوشاک زندانیان، محروم ماندن جامعه از کار و فعالیتهای نیروی انسانی عظیمی که در طول سال سر از زندان درمی‌آورند^۱ و... اشاره کرد. این در حالی است که زندان دستاورد و فایده مؤثر و محسوسی برای اجتماع ندارد و این امر، جز ایجاد زمینه‌های بدبینی و عدم اعتماد به دستگاه قضایی و در نتیجه، مخدوش شدن امنیت قضایی، نتیجه‌ای در پی ندارد.

ج) تأثیرهای زندان بر خانواده محکوم

یکی دیگر از پیامدهای مجازات زندان، تحمیل اثرات سوء آن بر فرزندان و خانواده محکوم است که خود، مغایر با اصل شخصی بودن مجازاتهاست و چنین امری برای محکوم و خانواده وی، مجازاتی مضاعف محسوب می‌شود و به گفته ریاست محترم قوه قضائیه «زندان، مجازات خانواده محکوم است، نه خود محکوم»^۲.

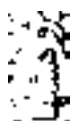
به گفته رئیس محترم سازمان زندانها:

در حال حاضر ۱۱۳ هزار نفر از زندانیان کشور را متاهلان تشکیل می‌دهند که سرپرست و نان‌آور خانواده‌اند و زندانی شدن آنها موجب ایجاد مشکلات اقتصادی، ارتباطی، حیثیتی، تحصیلی، شغلی و اجتماعی برای خانواده و فرزندان آنها می‌گردد و اغلب (حدود ۷۵ درصد) این خانواده‌ها برای تأمین هزینه‌های جاری و روزمره خود، با مشکل مواجه هستند. کمکهای کمیته امداد امام علیه السلام هم برای زندگی این خانواده‌ها کافی نیست و اکنون این نهاد، به هر خانوار با بیش از ۵ نفر عائله، تنها

۱. این ادعا از آن جهت است که نیروی انسانی، یکی از ارکان رشد و توسعه اقتصادی جوامع شناخته شده است.

۲. فراسوی توسعه قضایی، ج ۲، ص ۱۸۳.





ماهی ۱۹ هزار تومان مستمری پرداخت می‌کند.^۱

بر اساس پژوهشی که در این زمینه صورت گرفته است:

زندانی شدن سرپرست خانواده موجب ایجاد مشکلات اقتصادی و معیشتی فراوانی برای خانواده و فرزندان محکوم می‌گردد. این امر، نه تنها بر وضعیت روحی، روانی، عاطفی، ارتباطی و نظم درون خانواده اثرات سوئی گذاشته، این خانواده‌ها را با بحرانهایی چون فرار از منزل، افسردگی، بهانه‌گیری، عصبانیت، نگرانی و ناامیدی نسبت به آینده، سرخوردگی، افت و یا ترک تحصیل، طرد از خانواده، بستگان و اجتماع و خشونت مواجه می‌سازد، بلکه همچنین، بیکاری، نداشتن منبع درآمد، نداشتن مسکن و یا پرداخت اجاره مسکن، از دیگر مشکلاتی است که خانواده‌های زندانیان با آن روبه‌رو می‌شوند.^۲

بر اساس پژوهشی دیگر، مشخص شد:

بیشترین زندانیان را افراد متأهل و دارای فرزند تشکیل می‌دهند. ۱۸۰ نفر از یک نمونه ۱۵۰۰ موردی، اعلام کردند که بیشتر از ۵ فرزند دارند و ۱۰۹۱ مورد عنوان نموده‌اند که خانواده‌هایشان با استفاده از امکانات سایرین ارتزاق می‌کنند... خانواده زندانیانی که بیشترین تعداد آنان را متأهلان و افراد دارای فرزند تشکیل می‌دهند، پس از زندانی شدن سرپرست خانواده، اتکایشان به سایرین است.^۳

پژوهش دیگری نیز مؤید این است که با زندانی شدن ۱۱۴ هزار نفر زندانی متأهل، ۳۱۳ هزار نفر فرزند بی سرپرست به وجود می‌آید که با محاسبه همسران آنها، این میزان به ۴۲۷ هزار نفر می‌رسد.^۴

مسئله قابل ذکر دیگر، جدایی اجباری مادران زندانی از فرزندان خود، بویژه مدت

۱. روزنامه رسالت، ۸۱/۳/۲۲.

۲. بهجت علیشیری، «خلاصه گزارش پژوهشی مربوط به مسائل و مشکلات خانواده‌های زندانیان معتاد»، مجله ژرفای تربیت، شماره چهارم، آبان‌ماه ۱۳۷۸، ص ۲۳.

۳. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از وضعیت اسفبار زندانیان مالی زندان قصر، همان.

۴. تأثیر زندان بر زندانی، ص ۳۸۷.

بیت

۱۳۴

کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
تهران

کوتاهی پس از تولد است. قطع رابطه مادر و فرزند، پیامدهای بی شماری به دنبال دارد، بویژه اگر فرزندان در زندان به دنیا بیایند، تأثیر حبس بر خانواده بسیار مخرب و آسیب‌زاست و مانع از ایجاد رابطه کامل مادر و فرزندی می‌شود و برای رشد احساس امنیت و اعتماد در فرزندان، بسیار مهم است؛ چرا که چنین افتراقی، شرکت مؤثر و با انگیزه زندانیان در برنامه‌های بازپروری زندان و کاهش بازگشت مجدد زندانیان به زندان را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

تا پیش از سال ۱۳۷۵ بودجه حمایتی از خانواده‌های زندانیان در اختیار ۱۵۶ انجمن مربوط به حمایت از زندانیان قرار می‌گرفت تا اعتبارات مزبور را به طور مستقیم، صرف امور آموزشی، فرهنگی و معیشتی این افراد کنند.

از سال ۱۳۷۵ به دستور ریاست قوه قضائیه وقت، این بودجه در اختیار کمیته امداد امام‌الله قرار گرفت و انجمنهای حمایتی، دیگر کار و فعالیتی نداشتند. در سال ۱۳۷۷ که سازمان بازرسی کل کشور، گزارشی از وضعیت رسیدگی به خانواده زندانیان به رئیس قوه قضائیه وقت ارائه داد، ایشان دستور به فعال ساختن انجمن حمایت از زندانیان و محول نمودن بودجه مزبور به سازمان زندانها داد. بند سوم ماده ۱۹۰ قانون برنامه سوم توسعه نیز مقرر نمود که بودجه مزبور به سازمان زندانها واگذار گردد، ولی تا کنون هیچ اعتباری برای رسیدگی به وضعیت خانواده زندانیان و معدومان در اختیار سازمان زندانها قرار نگرفته است و لازم است تا هرچه سریعتر در این زمینه تدبیری اندیشیده شود.^۱

زیرا چنین وضعیتی، منجر به سلب اعتماد عمومی از نظام عدالت کیفری و نارضایتی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی خواهد شد. چنین مسئله‌ای نیز مورد توجه ریاست محترم قوه قضائیه قرار گرفته است. وی در این زمینه می‌گوید:

امروزه یک نفر که به زندان می‌رود، خانواده‌ای متلاشی می‌شود، بدین جهت، لازم است برای هر جرمی که مجازات زندان در نظر گرفته شده است، فکری هم برای زن و بچه آن زندانی بشود.^۲

۲. فراسوی توسعه قضایی، ص ۷۳.

۱. روزنامه جام جم، ۸۱/۳/۲۶.



د) پیامدهای اجتماعی زندان

زندان، پیامدهای اجتماعی چندی را نیز در پی دارد. یکی از پیامدهای زندان، متلاشی شدن کانون خانوادگی و تزلزل آن است.

به زندان رفتن شخص مجرم، در درجه اول، خانواده او را در بلا تکلیفی قرار می‌دهد،^۱ بویژه هنگامی که زندانی، متأهل و دارای همسر و فرزند باشد (در حال حاضر ۱۱۸ هزار نفر از زندانیان را افراد متأهل تشکیل می‌دهند) مشکلات زیادی را برای همسر وی ایجاد می‌کند که در نهایت، فشارهای وارده، همسر محکوم را برای فرار از چنین وضعیتی، متوسل به طلاق می‌کند. این امر در مورد همسر زندانیانی که به حبس ابد و یا حبسهای طولانی مدت محکوم شده‌اند، بیشتر شایع است. بر اساس آمارهای موجود، هم‌اینک در ایران، ما شاهد صعود نرخ طلاق هستیم که یکی از مهمترین علل آن، زندانی شدن شوهر است. زندان، شالوده خانواده را سست کرده، در معرض فروپاشی و اضمحلال قرار می‌دهد.^۲

در نتیجه، زندان می‌تواند موجبات بزهکاری همسر و فرزندان را فراهم ساخته، زمینه ساز گرایش آنان به اعمالی چون اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، سرقت، فرار از منزل یا مدرسه، روسپیگری و... گردد. طرد از جامعه، از دست دادن موقعیت اجتماعی، تنزل جایگاه فرد و خانواده در سلسله مراتب اجتماعی و ملزم شدن به مهاجرت یا تغییر مکان زندگی در پاره‌ای اوقات نیز از دیگر پیامدهای اجتماعی زندان است.

تراکم زندانیان و کمبود فضا

از دیگر نارسیایهای زندان، تراکم زندانیان و مشکل کمبود فضا است که پیامدها و

۱. از آنجا که خانواده، رکن طبیعی هر اجتماع به شمار می‌آید و آسیب دیدن آن، موجب آسیب دیدگی اجتماع نیز می‌گردد، به طور کامل نمی‌توان میان پدیده‌های خانوادگی با پدیده‌های اجتماعی آن تمایز و تفکیک قائل شد و این دو را جدای از هم دانست.

۲. بهجت علیشیری، «خلاصه گزارش پژوهشی مربوط به مسائل و مشکلات خانواده‌های زندانیان معتاد»، همان، ص ۲۳.

مشکلات بی شماری در پی دارد و ارائه خدمات اصلاحی، تربیتی، آموزشی، بهداشتی و درمانی به تمامی زندانیان را بسیار دشوار می سازد.

بر اساس آمار موجود، در هر ۵۴ ثانیه یک نفر به زندان می رود و در حال حاضر، زندانهای کشور جوابگوی این تعداد از زندانیان نیست؛ مثلاً زندان قصر که ظرفیت تنها ۱۸۰۰ زندانی را دارد، هم اکنون ۹۶۰۰ نفر زندانی را در خود جای داده است و زندان بک کرمان که ظرفیت نگهداری ۱۰۰۰ زندانی را داراست، حدود ۶ هزار زندانی در آن به سر می برند.^۱

در سال ۱۳۵۸ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت کشور، ۲۵ نفر زندانی بوده اند که این رقم در حال حاضر به ۲۳۲ نفر در ازای هر ۱۰۰ هزار نفر رسیده است. در سال ۱۳۵۸ تعداد زندانیان ۱۳۹۰۳ نفر بوده است^۲ که این رقم تا پایان مهرماه ۱۳۸۱ به ۱۶۰ هزار نفر رسیده است و تقریباً ۱۲ برابر شده است،^۳ در حالی که طی همین مدت، جمعیت کشور تقریباً ۱/۶۵ برابر شده است.

بر اساس آمار سازمان اصلاحات جزایی بین المللی، متوسط آمار جهانی زندانیان ۱۴۴ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت می باشد و این میزان در ایران ۲۳۲ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر می باشد.^۴ آمار دیگری نیز حاکی از این است که ایران جزء ۵ کشور دارای بالاترین زندانی در جهان است.^۵

این حجم از زندانیان، در حالی است که هر ساله به مناسبتهای مختلفی چون ۲۲ بهمن، عید غدیر، عید مبعث و... حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر از مجرمان زندانی، مشمول

تعمیر

۱۳۶

تعمیرات اساسی

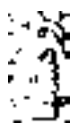
۱. ماهنامه اصلاح و تربیت (دوره قدیم)، سال هفتم، شماره ۸۱-۸۰، ص ۳۷.

۲. رقم اخیر، مربوط به اواخر سال ۱۳۵۸ است.

۳. ر.ک: سایت سازمان زندانها.

۴. ماهنامه اصلاح و تربیت، همان، ص ۳۸.

۵. نگاهی به آمار تعداد زندانیان برخی کشورها به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، مؤید مطلب مذکور است: اتریش و بلژیک: ۷۶ نفر، دانمارک و هلند: ۶۶ نفر، فرانسه: ۸۰ نفر، آلمان: ۸۱ نفر، مقدونیه: ۵۴ نفر، لهستان: ۱۷۱ نفر، ترکیه: ۸۰ نفر، سوئد: ۴۱ نفر، اسلونی: ۳۳ نفر، ایتالیا: ۸۷ نفر، کرواسی: ۵۴ نفر، ژاپن: ۱۱۷ نفر، اسپانیا: ۱۰۲ نفر و... (ر.ک: همان، ص ۳۸).



عفو قرار می‌گیرند و از زندان آزاد می‌شوند.
به گفته رئیس محترم سازمان زندانهای کشور:

در حالی که ظرفیت زندانهای کشور، تنها ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر است، حدود ۱۶۰ هزار زندانی در آنجا نگهداری می‌شوند و ما در حال حاضر ۱۰۰ هزار زندانی مازاد بر ظرفیت داریم. علل عمده تراکم نیز فراوانی محکومان مواد مخدر، اعتیاد و محکومان چک بلامحل است؛ مثلاً در حال حاضر، حدود ۴۰ تا ۴۵ هزار نفر از زندانیان کشور را معتادان و صادرکنندگان چک بلامحل تشکیل می‌دهند و به دلیل کمبود جا در برخی از استانها، مدیران از ما تقاضا کرده‌اند که از محلهایی همچون نمازخانه، سالن اشتغال و حرفه‌آموزی، مجموعه‌های فرهنگی و... برای نگهداری زندانیان استفاده کنند. عدم تناسب زندانیان با زندانها، در برنامه‌های اصلاح و تربیت زندانها مشکلات بی‌شماری را ایجاد کرده است. ما واقعاً امکانات تأمین اشتغال و حرفه‌آموزی و بازپروری و اصلاح تمام زندانیان را نداریم و به نظر می‌رسد مراکز تربیت بهزیستی و اردوگاههای بلااستفاده، مکانهای مناسب‌تری برای نگهداری معتادان باشد. مشکل دیگر این است که به دلیل کمبود فضا، امکان طبقه‌بندی و تفکیک کامل زندانیان وجود ندارد.^۱

بدون شک، این نکته را نمی‌توان از نظر دور داشت که هرچه فضا کمتر باشد، امکان بازپروری و بازسازی زندانیان سخت‌تر و معضلات بهداشتی زندان نیز بیشتر است. سرانه فضای استاندارد جهانی برای هر زندانی، ۲۰ تا ۲۶ متر است و این میزان در ایران برای هر زندانی، ۵/۵ تا ۶ متر؛ یعنی یک چهارم استاندارد جهانی است. بسیاری از ساختمانهایی که در حال حاضر به زندان اختصاص یافته است، از آغاز به منظور زندان ساخته نشده و بعداً به این امر اختصاص یافته است. بدین جهت، فاقد تأسیسات ورزشی، سالن گردهمایی و فضای آزاد است. کمبود فضا برای فرد محبوس، یک محکومیت مضاعف محسوب می‌شود. تراکم جمعیت و کمبود جا، امکان ارائه خدمات و تأمین بهداشت فردی و عمومی زندانیان را بسیار دشوار و سلامت زندانیان را به خطر می‌اندازد.

با توجه به اینکه ساخت زندان، هزینه و منابع مالی و انسانی بسیاری را می‌طلبد، با تجدید نظر نسبت به جرم‌انگاری اعتیاد و اصلاح قانون چک، می‌توان تا حد زیادی از میزان تراکم زندانیان کاست و بسیاری از مشکلات و مسائل دیگر زندانیان در زمینه فضا، امکان بازپروری و اشتغال را مرتفع کرد.

این نکته را هم بیفزاییم که علل تراکم جمعیت کیفری زندان و کمبود فضا، خود معلول عوامل زمینه‌ساز دیگر است که توجه و تأمل درباره آنها تا حد زیادی جمعیت زندانیان کشور را کاهش خواهد داد. علل ایجادکننده تراکم کیفری جمعیت زندانها را می‌توان چنین برشمرد:

الف) حبس محور بودن قوانین

یکی از مهمترین دلایل زمینه‌ساز تراکم جمعیت زندانها، این است که مجازات حبس در حقوق کیفری ایران، مجازاتی است که برای اکثر اعمال مجرمانه پیش‌بینی شده است. طبق گزارش دفتر بررسیهای حقوق مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی:

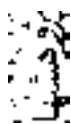
در حقوق کیفری ایران، حدود ۱۴۰۰ عنوان مجرمانه وجود دارد که برای ۴۰۰ مورد از موارد مذکور، مجازات حبس پیش‌بینی شده است و در نتیجه، در هر ۵۴ ثانیه، یک نفر به زندان می‌رود و زندانهای کشور، ۴ تا ۶ برابر ظرفیت واقعی، در خود، زندانی جای داده است.^۱

به نظر می‌رسد در ایران، بیشتر از مجازات زندان به عنوان ابزاری برای اداره جامعه استفاده شده است تا رسیدن به هدف اصلاح مجرم و بازپروری او؛ چرا که حبس باید تنها برای کسانی در نظر گرفته شود که جرم سنگینی مرتکب شده‌اند و دور بودن آنها از جامعه، به سود جامعه و حضور آنها در جامعه، خطرناک باشد.

حبس محوری و تأکید بر مجازات زندان در حقوق کیفری ایران تا آنجا پیش رفته

۱. فراسوی توسعه قضایی، همان، ص ۸۶.





که برای اعمال کم‌اهمیتی مانند دیوارنویسی غیرمجاز در زمان انتخابات، فروش کالا بزرگ، کندن درخت، تقلب در انتخابات و... که وجدان جمعی جامعه را به هیچ عنوان جریحه‌دار نمی‌سازد، مجازات زندان در نظر گرفته شده است.

ریاست محترم قوه قضائیه در این باره می‌گوید:

هر دستگاهی برای پیشبرد و حفظ منافع خودش مجازات زندان را برای تخلفاتی که چه بسا جرم محسوب نمی‌شود، پیشنهاد کرده و مجلس هم تصویب کرده است، بدون اینکه سؤال شود آیا قوه قضائیه با این همه افزایش مصادیق جرایم و کیفری کردن امور، قدرت پاسخ‌گویی دارد؟ در قوانین عادی مجلس، مسائلی را که می‌شود کیفری نباشد، کیفری می‌کنند و مشکل را بر دوش قوه قضائیه می‌گذارند. نمونه بارز این مسئله، قانون چک است که ردیف دوم زندانیان نظام را تشکیل داده است. قانون چک، کار را جور کرده که بانک و صاحب حساب جاری، منافع آن را می‌برند و ضرر و مشکل را به دوش قوه قضائیه انداخته‌اند. سیاست کیفری اسلام، مبنی بر اعمال حداقل مجازات بوده و اصل بر برائت است. در اسلام، زندان یک مجازات استثنا محسوب می‌شود و در قوانین جزایی اسلام، کمتر از ۵ مورد مجازات حبس وجود دارد. در شریعت اسلام، زندان باید به عنوان آخرین راه حل درباره مجرمین مورد استفاده قرار گیرد.^۱ ما به نمایندگان مجلس نیز پیشنهاد می‌کنیم تا چندشبی را در زندان بمانند تا در زمان قیام و قعود برای رأی‌گیری، دقت و عزم بیشتری را به خرج دهند.^۲

برخی از قوانینی که منجر به تراکم جمعیتی زندانها شده، به قرار زیر است: ماده ۲ قانون مربوط به اجرای محکومیت‌های مالی (بر این مبنا که اگر فردی محکوم به پرداخت بدهی خود باشد و آن را نپردازد، به حکم مقام قضایی، تا زمان تسویه حساب با شاکیان، در زندان باقی می‌ماند)، ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی، جرم‌انگاری اعتیاد و موارد صدور قرار بازداشت موقت در قانون آیین دادرسی کیفری.

۱. فراسوی توسعه قضایی، همان، ج ۱، ص ۸۷.

۲. سخنرانی آیه‌الله شاهرودی، ریاست محترم قوه قضائیه در همایش سراسری رؤسای زندانهای

سراسر کشور، روزنامه حمایت، ۸۱/۱۱/۱۱.

با وجود بحثهای متعددی که درباره جرم‌انگاری و یا جرم‌زایی اعتیاد وجود داشته است، قانون‌گذار اقدام به جرم‌تلقی کردن اعتیاد کرده است و در نتیجه، ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر از زندانیان کشور را در حال حاضر، معتادان تشکیل می‌دهند که این رقم، به نوبه خود، قابل توجه و تأمل است. در اینکه امروزه اعتیاد، احساسات جمعی جامعه را جریحه‌دار می‌سازد، تردیدی نیست و اعمال مجازات علیه معتادان به دلیل بیمار تلقی شدن آنها، فاقد اثر اصلاحی و تربیتی است.

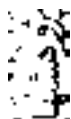
نکته قابل ذکر، این که تأکید بیش از اندازه قانون‌گذاران بر مجازات حبس (حبس محوری) اقتدار قانون را در جامعه شکسته، قبح ارتکاب جرم و مجازات زندان را از بین برده و مانع آن شده است که قانون بتواند رسالت خود را در پیشگیری از جرم و کاهش آن و مبارزه با مجرمان، به انجام برساند. شاید امروزه مهمترین عامل ریختن و زایل شدن قبح زندان، حبس محور بودن قوانین و مقررات جزایی باشد. بنابراین، اصلاح و پالایش قوانین با هدف زندان‌زدایی و جرم‌زدایی از جرایم کم‌اهمیت و سبک، تا حد زیادی منجر به کاهش جمعیت کیفری زندان خواهد شد.

ب) حبس محور بودن و مجازات‌گرایی قضات

اعتماد و اعتقاد قضات به مجازات حبس نیز از جمله عللی است که می‌تواند افزایش جمعیت آمار زندانیان را در پی داشته باشد. همچنین کثرت توسل به قرارهای بازداشت موقت و قرارهایی که منجر به حبس متهم می‌شود نیز از عوامل تراکم جمعیت کیفری زندانهاست. ریاست محترم قوه قضائیه در این باره می‌گوید:

ما به قضات توصیه کرده‌ایم برای اینکه دست به زندان نوشتن آنها زیاد نشود، چند شبی را در دوره کارآموزی به زندان بروند تا از نزدیک با مسائل و مشکلات درون زندان آشنا شوند و در صدور حکم حبس، دقت به خرج دهند.^۱

۱. سخنرانی آیه‌الله شاهرودی، همان.



البته ممکن است گفته شود که زندان محور بودن قوانین، قضات را در تنگنا قرار داده و آنان را ناچار می‌سازد تا حسب دستور و پیش‌بینی قانون، مجازات حبس را در نظر بگیرند و اگر اختیارات لازم در زمینه استفاده از سایر مجازات‌ها به جای حبس داشته باشند، قطعاً چنین خواهند کرد، در حالی که شواهد، بیانگر آن است که قضات، اعتماد و گرایش کمتری به استفاده از راهکارهایی چون تخفیف مجازات، آزادی مشروط و تبدیل و تعلیق مجازات و همچنین اعمال کیفرهای جایگزین مجازات زندان دارند و در برخی موارد، مانند موارد صدور قرار بازداشت موقت اختیاری و برخی از مواد قانونی که دو یا چند مجازات را مقرر و به قاضی برای انتخاب یکی از آنها اختیار داده شده است، توسل به حبس را ترجیح می‌دهند و عواقب سوء مجازات زندان را مد نظر قرار نمی‌دهند. حال آنکه در بسیاری از موارد که در قانون، مجازات تخیری آمده است، می‌توان مجازاتی را که از نوع حبس نیست، مورد حکم قرار داد، ولی این امر، نیاز به فرهنگ‌سازی، آموزش قضات و ایجاد اعتماد و اعتقاد در آنها به مجازات‌های جایگزین و استفاده از نهادهایی چون تعلیق مجازات، آزادی مشروط، عفو و تخفیف مجازات دارد که تا کنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ج) عدم توجه به نهاد پیشگیری و افزایش میزان ارتکاب بزه

یکی از مهمترین عللی که امروزه موجب افزایش جمعیت کیفری زندان شده، عدم توجه به پیشگیری و در نتیجه، افزایش جرایم و آسیب‌های اجتماعی است. در تعریف پیشگیری گفته‌اند:

پیشگیری از جرم، یعنی کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری و از بین بردن فرصت‌های ارتکاب جرم. از دیدگاه جرم‌شناسی، منظور از پیشگیری، هرگونه فعالیت سیاست جنایی برای تحدید حدود امکان پیش‌آمدن مجموعه اعمال جنایی از طریق غیرممکن ساختن یا دشوار ساختن احتمال وقوع آنهاست.^۱

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، «پیشگیری از جرم و پلیس محلی»، نشریه امنیت، شماره ۱۶-۱۵.

پیشگیری، یکی از مهمترین استراتژیهای اساسی ضد بزهکاری است و به انواع مختلف عام، خاص، وضعی، اجتماعی، اولیه، ثانویه، ثالث، کیفری و غیرکیفری، قابل تقسیم است. اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان را از وظایف قوه قضائیه دانسته است.

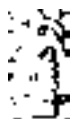
در هر صورت، این امر، غیرقابل انکار است که توجه لازم به مباحث پیشگیری، موجب کاهش آمار جرایم، کاهش پرونده‌های ارجاعی به محاکم دادگستری، کاهش حجم کاری مراجع قضایی و مهمتر از همه، کاهش جمعیت کیفری زندان می‌گردد. کوتاه شدن زمان و بهبود روند دادرسی، افزایش کیفیت آرای صادره، رفع اطاله دادرسی و تحقق امنیت قضایی نیز از دیگر فواید توجه به بحث پیشگیری است. ولی متأسفانه بحث پیشگیری تاکنون در کشور ما به فراموشی سپرده شده است و در عمل، اثری از توجه و عنایت به آن دیده نمی‌شود و جای خالی آن در سیاست جنایی کشور، بسیار محسوس است.

در کشور ما تاکنون مسئولان سیاست جنایی، بیشتر به فضیلت و کارایی مجازاتها به عنوان ابزاری برای پیشگیری از جرم توجه داشته‌اند و مجازاتها را ابزارمند و متنوع کرده‌اند. در بعد حقوق پیشگیری، سخن بسیار به میان آمده، ولی در عمل، کاری صورت نگرفته است.^۱

نتیجه این امر، چیزی جز افزایش روزافزون نرخ و آمار جرایم و در پی آن، پر شدن زندانها نیست. امروزه روند افزایش جرایم، رو به پیشرفت است و این نکته را نمی‌توان انکار کرد که هرچه مبارزه بیشتر و شدیدتر باشد و بر شکل کیفری پاسخ به پدیده‌های مجرمانه تأکید شود، تعداد زندانیان بیشتر خواهد شد و هرچه مبارزه شدیدتر باشد، دوره حبس محکومان بیشتر می‌شود. بدین جهت، نخستین اقدام برای کاهش آمار ورودیها به زندان، پرداختن به پیشگیری است. تأکید صرف بر پاسخهای کیفری، نتیجه‌ای جز افزایش جمعیت زندانها نخواهد داشت.

۱. سخنرانی دکتر محمد عبداللهی، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران در اولین همایش آسیبیهای اجتماعی، تهران، ۱۱ و ۱۲ خرداد ۱۳۸۱.





تا وقتی علل جرم‌زا در جامعه بروز و شیوع داشته باشد و برای رفع آنها تدبیری اندیشیده نشود، دستگیری و به زندان انداختن، امری بیهوده است و هیچ تأثیری در پیشگیری و کاهش جرایم نخواهد داشت. در سال ۱۳۷۸، ۷۰۰ هزار نفر روانه زندانهای کشور شدند که از این تعداد، ۸۵ درصد بیسواد و یکم سواد، ۹۰ درصد بیکار و یا دارای مشاغل پست و کاذب بودند، ۶۰ درصد نیز با مشکلات و فقر اقتصادی مواجه بوده‌اند.

تجربه ما در سالهای اخیر، نشان‌دهنده این است که بیشتر با آسیب‌دیدگان و معلولها برخورد شده است و دربارهٔ مقابله و تلاش برای رفع عوامل و علل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زمینه‌ساز جرایم، اقدامی صورت نگرفته است. نگاهی به برخی از عناوین جرایم کشور، مؤید مطالبی است که ذکر شد:

- رشد جرم و جنایت در ایران، نگران‌کننده است (صدای عدالت، ۱۷/۲/۸۱).

- خشونت و جرایم اجتماعی، گسترش یافته است (کیهان، ۱۸/۱۲/۸۱).

- تازه‌ترین نظرسنجیها خبر از افزایش جرایم و ناامنی می‌دهد (خبر، ۳۱/۱/۸۱).

- گسترش فساد در جامعه به امر خطرناکی تبدیل شده است (آفتاب یزد، ۲۸/۱/۸۱).

- جرم و جنایت شایعه نیست، وجود دارد (کیهان، ۱۷/۲/۸۱).

- فرار از خانه، پدیدهٔ نوظهور دیگر (خبر، ۸/۲/۸۱).

- اعتیاد، فحشا، بیکاری، طلاق، بحرانهای اجتماعی در راه است (سیاست روز، ۲/۴/۸۱).

- هزینهٔ جرم در حال کاهش و پایین آمدن است (آزاد، ۳۰/۲/۸۱).

- فقر و تهیدستی = جرم، جنایت و تبهکاری (رسالت، ۵/۳/۸۱).

- با داغ و درفش نمی‌توان با بزهکاری مقابله کرد (خبر، ۱۹/۱۳/۸۱).

- مسائل اجتماعی نظیر اعتیاد، قاچاق مواد مخدر، پرخاشگری، جنایت، خودکشی، روسپیگری، تکدی، جرایم مالی و اقتصادی و سرقت، با وجود منع قانونی و قبح

اخلاقی آن، همچنان رو به گسترش و فزونی است (آفتاب، ۲۳/۳/۸۱).

- جوان مجرم، حاصل بحران اجتماعی است (ایران، ۲۸/۳/۸۱).

- مفاسد اجتماعی، جامعه را فراگرفته است (جمهوری اسلامی، ۸۱/۴/۱۲).
- اعتیاد جوانان و فرار دختران و پسران، سیر صعودی دارد (قدس، ۸۱/۳/۲۶).
- ۲۰ هزار کودک خیابانی در کشور شناسایی شدند (خبر، ۸۱/۳/۲۰).
- وجود سه میلیون نفر بیکار در کشور، فاجعه است (سیاست روز، ۸۱/۳/۵).
- ۸۰ درصد زنان خیابانی برای امرار معاش، تن فروشی می‌کنند (سیاست روز، ۸۱/۲/۱۵).

- بزهکاری طی دههٔ اخیر، افزایش چشمگیری داشته است (مردم‌سالاری، ۸۱/۲/۱۵).

- سه میلیون معتاد به مواد مخدر در کشور وجود دارد که از این تعداد، ۷۰۰ هزار نفر معتاد تزریقی هستند (جام جم، ۸۱/۳/۳۰).

- آمار طلاق، ۱۴ درصد افزایش داشته است (مردم‌سالاری، ۸۱/۴/۱۶).
- نه در درمان معتادی گام مؤثری برداشته‌ایم، نه در پیشگیری (حیات نو، ۸۱/۴/۲۷).

- پنج میلیون بیکار در کشور وجود دارند (آفتاب، ۸۱/۳/۲۸).
مواردی که ذکر شد، تنها قسمتی از عناوینی بود که ماههای نخست سال ۱۳۸۱ در جراید کشور به چشم می‌خورد و حجم مسائل و مشکلات اجتماعی، بسیار بیشتر از حد تصور است. شاید بتوان گفت که مهمترین علتی که موجب ایجاد چنین وضعیتی و به تبع آن، افزایش جمعیت کیفری زندانها شده است، عدم توجه به پیشگیری و مبارزهٔ صرف با معلول و نه علل و عوامل جرم‌زا بوده است.

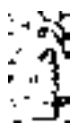
همان‌طور که گفته شد، تا وقتی که از پیشگیری و تلاش برای برطرف ساختن زمینه‌های جرم غافل باشیم، دستگیری و به زندان انداختن مجرمان، جز صرف و تحمیل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بی‌فایده و بی‌مورد بر جامعه و کاهش اعتماد نسبت به دستگاه قضایی و زایل شدن امنیت قضایی، نتیجه و دستاورد دیگری را در پی نخواهد داشت.

افزون بر دلایلی که بیان شد، علل دیگری نیز در تراکم جمعیت کیفری زندانها مؤثر است (مانند بی‌ثباتی و نوسانی بودن اقتصادی، استفاده نکردن از جایگزینهای کیفر

بهر

۱۴۴

بهر



زندان، ایرادات قوانین، قطعیت و حتمیت نداشتن در اجرای مجازات‌ها، رشد شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع و در پی آن، تغییر نیازها، و... که به علت رعایت اختصار، بدانها نمی‌پردازیم.

تمامی مواردی که تا کنون به آن اشاره شد، می‌تواند زمینه‌ساز از دست دادن اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و مخدوش شدن امنیت قضایی گردد. افزون بر موارد مذکور، به نمونه‌ها و مسائل دیگری نیز می‌توان اشاره کرد:

۱. طبقه‌بندی نشدن مطلوب و کامل محکومان از جهات مختلف؛ چون جنسیت، سن، نوع جرم ارتكابی، وضعیت اقتصادی، وضع سلامتی و....
۲. علمی و کاربردی نبودن شیوه‌های اصلاح و بازپروری محکومان، سنتی بودن شیوه‌های اداره زندان و استفاده نکردن از فنون جدید زندانبانی.
۳. ضعف مدیریت زندانها و پایین بودن سطح تخصص و مهارت‌های آنان، کمبود کادر اداری مجرب و متخصص برای اصلاح و درمان مجرمان و رسیدگی فوری نکردن به امور آنان.
۴. ناهماهنگی میان نظام قضایی و سازمان زندانها.
۵. فقدان امکانات عملی و علمی و بودجه لازم برای اعمال برنامه‌های بازپروری و اصلاح مجرمان و کارآموزی و اشتغال زندانیان (در حال حاضر حدود ۱۶۵۰۰ نفر زندانی مشغول کار هستند، در صورتی که باید هم‌اکنون ۷۲ هزار زندانی مشغول به کار داشته باشیم)^۱.
۶. وجود برخی برخوردهای تحقیرآمیز در زندان یا برخی تبعیضها میان زندانیان.
۷. تشکیل نشدن پرونده شخصیت برای متهمان؛ زیرا هنوز در کشور ما بر خلاف ممالک پیشرفته، در مراحل رسیدگی و صدور حکم، از تهیه و تشکیل پرونده شخصیت، خبری نیست.
۸. زوال حس مسئولیت و تن‌پروری در زندانیان.

نتیجه

با توجه به این پژوهش و یافته‌های به دست آمده که بیشتر سخنان بر اساس داده‌های میدانی و مستند به داده‌های آماری سالهای اخیر بود، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. زندان، نه تنها در پیشگیری از ارتکاب بزه کارایی چندانی ندارد، همچنین بر تکرار بزه، تنوع شیوه‌های ارتکاب آن و آموزش فنون بزهکارانه دامن می‌زند. یافته‌های آماری مربوط نیز این نتیجه را در این پژوهش تأیید می‌کند. بنابراین، زندان پیش از آنکه نقش پیشگیرانه ایفا کند، خود نقش جرم‌زایی دارد. افزون بر آن، در درون خود زندان نیز این نقش با ورود محکوم یا متهم به زندان، پررنگ‌تر می‌شود؛ چه آنجا نیز زمینه و محیط برای ارتکاب جرایم خاص داخل بند، فراهم است و حتی محله‌های اطراف زندان نیز از گزند این محیط و جرم‌زایی آن در امان نیست.

۲. یافته‌ها در بخش دیگری از این پژوهش، بویژه مبحث دوم، حاکی از آن بود که به نارساییهای حقوقی - قضایی و جرم‌شناسانه زندان، نارساییهای دیگری را چون: مشکلات بهداشتی و درمانی و انتقال بیماریهای عفونی و واگیر؛ مانند سل، هپاتیت و ایدز، مشکلات جنسی که با تجمع افراد در مکان بسته زندان به اوج خود می‌رسد، پیامدهای اقتصادی زندان و زندانی شدن برای محکومان و سرانجام، پیامدها و عواقب خوارکننده اجتماعی زندان؛ نظیر بدنامی و طرد اجتماعی هم می‌توان افزود.

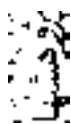
۳. بر مشکلات و نارساییهای عنوان شده که نقش مؤثری در کاهش اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی دارد، باید مشکل کمبود فضا را نیز که به علت ازدیاد آمار کیفری و تراکم جمعیت زندانیان به وجود آمده، افزود. این امر، خود می‌تواند ناشی از حبس محوری قوانین، مجازات‌گرایی قضات و بی‌توجهی به پیشگیری از وقوع بزه و در نتیجه، افزایش میزان ارتکاب آن باشد.

حاصل آنکه با برشمردن نارساییهای فوق و بسیاری از نارساییهای دیگر که در این نوشتار از آن سخن به میان نیاوردیم، باید بر این باور بود که به راستی زندانها بویژه در ایران و با ویژگیهایی که دارد، هیچ‌گاه نمی‌تواند اهدافی را که فلاسفه کیفری برای آن برشمرده‌اند (اصلاح و تربیت، بازسازی اجتماعی، تنبیه و ارباب فردی و اجتماعی و

پژوهش

۱۴۶

پژوهش



پیشگیری از وقوع بزه و تکرار بزه) برآورده سازد. بدین جهت، به زندان باید به عنوان «یک بد ضروری» نگریسته شود و در استفاده از این بد ضروری، باید به حداقل اکتفا کرد؛ بویژه تا آنجا که می‌توانیم باید از توسل به زندانهای بسته اجتناب کنیم؛ چرا که تمامی مفاسدی را که برشمردیم، در زندانهای بسته به طور کامل می‌توان یافت و این‌گونه زندانها چون «سم مهلک»، کشنده و خطرناک است. افزون بر آن، نسبت به سایر ایرادات وارد بر فرایند زندان باید چاره‌ای اندیشیده شود و راهکارهایی ارائه گردد.

پس زندان در وضع کنونی و با توجه به معایب حاضر، نه تنها امنیت قضایی ایجاد نمی‌کند، با ایجاد نارضایتی در مردم، به ناامنی قضایی، ایجاد حس بدبینی و نارضایتی در مردم دامن می‌زند. بدین جهت و برای ایجاد امنیت قضایی، جلوگیری از احساس بروز ناامنی، ایجاد احساس رضایت در شهروندان و تابعان نظام کیفری، ایجاد اصلاحات عمیق ساختاری و پایه‌ای در نظام کیفری و زندانها، باید امور زیر در دستور کار مدیران نظام کیفری و قانون‌گذاری قرار گیرد:

۱. توسل به راهکارهای اداری به جای قضایی.
۲. استفاده از میانجیگری و هیأت‌های حل اختلاف (دادگستری غیررسمی) و در نهایت، استفاده مناسب و بجا از جایگزینهای کیفر حبس.
۳. اجتناب از حبس محوری.
۴. آموزش قضات و کارکنان نظام کیفری، بویژه آموزش استفاده از جایگزینها و نیز آموزش قضات مجازات‌گرا به منظور کاهش جمعیت کیفری.
۵. تسهیل امر اصلاح و تربیت، بویژه اشتغال، حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی اجتماعی بزهکاران محکوم به حبس.

پس از برنامه‌ریزی و اجرای این امور است که می‌توان از اصلاح و تربیت بزهکار، امنیت قضایی و سرانجام، اهداف اصلی نظام کیفری؛ یعنی: تأمین نظم و امنیت، گسترش عدالت نسبی و ایجاد رضایت در مردم، سخن به میان آورد.